

سرمقاله

سید حامد ترابی ■ کارشناس علوم سیاسی

۹ دی باید به مردم رسید...

وقتی صحبت از ۹ دی می شود، احتمالاً بسیاری از مسائل به ذهن ما می رسدکه بارها شنیده ایم، از اعلام پیروزی میرحسین موسوی قبل از پایان انتخابات گرفته تا آتش زدن مسجد و ادعای تقلب بی دلیل و هزاران چیز دیگر!

اما محل بحث ما اکنون اینها نیست بلکه محل بحث خود ۹ دی است؛ البته اگر بخواهیم رو راست باشیم در مورد ۹ دی هم نمی خواهیم صحبت کنیم، بلکه بحثمان بر سر مردم است! البته می دانیم که تا اسم مردم می آید قطعاً عده زیادی یاد شعارهای پوچ تلویزیونی و استفاده ابزاری از مردم می افتند که قطعاً حرف نا مربوطی نمی زند؛ چرا که وقتی صدا و سیما سال گذشته و در سالگرد ۹ دی کسی را برای تبیین پشت تریبون ها برد که در ۸ ماه فتنه فقط آتشبار معرکه بوده و رأی مردم را به هیچ حساب کرده، صحبت کردن از مردم چندان محلی از اعراب ندارد!

کلاً واژه مردم و مردمی در ادبیات سیاسی کشور ما شبیه یک جک است! چرا که هر کس کارش گیر می کند نام آن را می برد اما در اقتصاد به آن نقشی نمی دهد، در محاسبات به حسابش نمی آورد و در مجموع بیشتر کاربرد زبانی دارد نه دغدغه مردمی بودن! مردم در نه دی به انقلاب کمک کردند و انقلاب را رأی آنها دفاع کرد، مردم رهبری را می دیدند که آنها را در تک تک محاسبات می بیند اما بقیه رجال سیاسی کجای این قصه بودند و هستند؟

بقیه رجالی که می گویم را حتماً متوجه می شوید چه کسانی هستند، همان رئیس اداره ای که منزل اش در تهران بیش از صد میلیارد است! یا همان کسانی که یادشان رفته ۹ دی را مردم کوچه بازار ساختند نه بالا شهر نشین های تهرانی که کل استدلالشان برای آشوب های خیابانی در کشور این بود که رأی فلانی در تهران زیاد بوده و تهران مهم است! حتما می خواهند بگویند که فلانی که نماد عدالت



بود، فساد کرد و کذا و کذا، اولاً که قول معروف گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند، انگار یادشان رفته که همین الان هم برای سخنران میتینگ هایشان از مفسدین اقتصادی استفاده می کنند؛ ثانیاً اتفاقاً اشتباه شما این است که مردم را نمی فهمید و نمی دانید که مردم به شخص رأی ندادند بلکه به گفتمان ضد لیبرالی و ضد اشرافی رأی دادند، همه اینها به کنار کسانی که خود را نخبه می دانستند و ۱۶ سال بعد از جنگ اقتصاد کشور را در دست داشتند چه به بار آوردند جز شکاف طبقاتی، بدهی خارجی و تورم؟ البته نباید از برخی دستاوردهای این به اصطلاح نخبگان غافل شد، آنها برای خودشان بانک زدند و خانه چند صد میلیاردی خریدند و سهامدار شرکت ها شدند! و حالا هم با این همه فتنه انگیزی باز پست و مقام دارند و بیچاره مردمی مانده اند که به تدبیر وام ۲۵ میلیونی دولت و توافق هسته ای که هر روز نقض می شود و مسئولانی که این نقض ها را ماستمالی می کنند چشم دوخته اند و رکودی که هنوز از آن خارج نشده ایم!

خلاصه ۹ دی هر چه بود کار مردم بود، نه کار راست بود نه کار چپ، حالا اگر چه برخی راستی ها بخواهند از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند و شرط ورود به ائتلافشان را فتنه ستیزی می دانند اما خودشان هم می دانند که مردم حاضر در ۹ دی که تبر حضورشان را بر سر فتنه گران کوبیدند به آنهاپی که اکنون مدعی فتنه ستیزی شده اند می گویند ۸۸ کجا بودید؟ کجا بودید وقتی جوان چون دسته گللمان را فتنه گران شهید کردند؟ احتمالاً آن روز همانجا بودید که وقتی خون شهدای هسته ای در اثر برجام نادیده گرفته می شد برای لابی و تصویب برجام رفته بودید!

ای کاش مانند ۹دی به مردم برسیم، به مستضعفین برسیم، ۹ دی جای سیاسین فرصت طلب نیست، جای مردم است، حتی اگر لبوفروش و راننده تاکسی باشد.

براندازی تروریست های سیاسی در انتخابات

علیرضا فقیر ■ کارشناس رسانه



انتخاباتی رای دادن های قبیله ای، خاندانی و طایفه ای است. کاندیدهای انتخاباتی که یا از قبیله ی خاصی هستند یا بعضاً منتسب به یکی از خاندان های معروف می باشند، با تهمیج حس قوم گرایی و احترام به خاندان های بزرگ و حتی سوء استفاده از احساسات دینی بخاطر "سیادت" عده ای از مردم را فریب می دهند تا چهارسال برصندلی های نرم مجلس جلوس کنند.

کاندیدهای قبیله ای برخلاف حیطه ی اختیارات قانونی نماینده مجلس، آنگاه که میان قوم خود می روند یا دادن وعده هایی از جمله "اگر رای بیاورم برای قوم شما اشتغال زایی خواهم کرد، فلان کارخانه را احداث خواهم کرد، برای منطقه شما جاده بهتری خواهم کشید و..." و تمرکز بر تعصب های قومی برخلاف اصول اسلامی و شایسته سالاری آرای قومی را سرقط می کنند. نتیجه ی چنین رای دادن هایی تشکیل خاندان های قدرت و ثروتی خواهد شد، که بعداً مورد اعتراض ما قرار خواهند گرفت، که چرا و چگونه این هزارفامیل های قدرت به هم پیوسته تشکیل شده اند، و چرا کسی دنبال مشکلات اصلی مردم نیست؟! روشن است که انتخاب براساس خاندان سالاری هیچ وجه عقلانی و شرعی ندارد، و انتساب به قوم ها و قبیله ها، به هیچ عنوان جزء شاخص های نماینده اصلح نیست. فلذا در انتخاب اصلح هیچکدام از معیارها و بدعت های سیاسین تاجرپیشه نیابد ملاک قرار بگیرد، و مردم باید براساس شاخص های حقیقی و شایسته سالار از جمله؛ عدالتخواهی، ساده زیستی، عدم اتصال به کانون های قدرت و ثروت، تخصص و کارآمدی، شجاعت، عدم اسراف در تبلیغات و... نماینده اصلح را انتخاب کنند.

مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت می نمایند. اگر انتخاب اصلح برای مسلمان هاست، «کی و از کجاست» مطرح نیست، از هر گروهی باشد، حزب باشد یا غیر حزب، نه حزب اسباب این می شود که غیر آن فاسد، و نه صدرصد حزبی بودن باعث صلاح آنهاست."

وعده های دروغین یا وظایف واقعی نمایندگان

در انتخاب آگاهانه مردم به عنوان تصمیم گیرنده های اصلی، باید وظایف واقعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در قانون آورده شده است را بدانند، تا هر کاندیدی از هر سویی با دادن شعارها و وعده های غیرعملی نتواند، آنها را فریب بدهند. برخی از کاندیدها که دنبال جذب بیشتر آرای مردم هستند، از هر وسیله ای استفاده می کنند و در میان مردم بسا دادن وعده های اجرایی مانند؛ اشتغال زایی، ایجادمسکن، احداث جاده و آسفالت کردن خیابان، حل مشکل ازدواج جوانان، ساختن سالن ورزشی و... مردم را امیدوار به حل شدن مشکلاتشان در یک شب و یک رای می کنند.

حال اینکه تمام وظایف اصلی و قانونی نمایندگان در دو بخش کلی "نظارت" و "قانون گذاری" خلاصه می شود، و کارهای عمرانی و اجرایی از حیطه ی اختیارات نمایندگان خارج است و دولت است که باید قانون های نمایندگان را به مرحله اجرا در بیاورد. فلذا هر وعده و شعاری که از دو حوزه نظارت و قانونگذاری خارج باشد، وعده ی سرخرمنی بیش نیست.

خاندان سالاری یا شایسته سالاری؟

یکی دیگر از آسیب ها و به نوعی بدعت های

سهم خواهی های افراد و نفوذ کانون های قدرت و ثروت بسته می شود، انتخابات را که محلی برای حضور فعالانه و آگاهانه مردم برای تصمیم گیری درباره ی آینده سر نوشت کشور می باشد، را تبدیل به کارزار سیاست بازان تاجرپیشه متصل به کانون های قدرت و ثروت می کند، و در این هنگامه مردم به عنوان محور انتخابات به حاشیه رانده می شوند.

گروه های سیاسی خود را قِیم مردم معرفی کرده و قدرت تحلیل و تفکر را با پروپاگاندای تبلیغاتی از مردم می گیرند، در حالیکه انتخابات بهترین فرصت برای رشد فرهنگ سیاسی مردم و انتخاب آگاهانه می باشد. صریح تر بگویم **تروریست های سیاسی با دادن لیست های قبیله ای در عین به انزوا بردن مردم، اصلح را در تسلسلی دائمی ترور می کنند، که نتیجه آن چیزی جز براندازی نرم آرمان های اصیل انقلاب نخواهد بود. حضور یا عدم حضور افراد در لیست ها نشانه اصلح بودن افراد نخواهد بود و دوران پدرخواندگی عده ای متکبر سیاست زده بر امت گذشته است. مردم براساس شاخص های حقیقی و نه تصنعی به افراد اصلح و نه لیست های سهم خواهانه رای خواهند داد.**

همانطور که حضرت روح الله خمینی کبیر(ره) فرمودند: "مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد یا گروه و دسته ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است و

بسا کمی تامل و بررسی در علل و ریشه های ناکارآمدی و ضعف های منتخبین ما در مجلس شورای اسلامی، به "نوع انتخاب" مردم خواهیم رسید، که شاید اصلی ترین عامل پیدایش مجلسی ناکارآمد باشد. متأسفانه براساس یک سنت غلط و نهادینه شده در ایام انتخابات آنچه بیش از حد اذهان عمومی مردم را متاثر می کند، دعواهای انتزاعی و جناحی گروه های سیاسی چپ و راست یا اصولگرا و اصلاح طلب امروزی و شاخه های متعدد آنها است. گروه های سیاسی غیرانقلابی با هجمه ی وسیع تبلیغات رسانه ای خود و معرفی لیست های ساندویچی و تلاش فراوان برای حذف رقیب از صحنه رقابت، صحنه انتخابات را به میدان "تشنگان قدرت" تبدیل می کنند تا میدان "شیفتگان خدمت". در این میان عده ای تنها برای رسیدن به صندلی های سبز مجلس براساس بدعت های غلط انتخاباتی که منتج به فساد سیاسی می شود، فعالیت می کنند تا شاید در این هیاهو راییی نصیب آنها بشود.

لیست های ساندویچی یا انتخاباتی رشد محور؟

اغلب گروه های سیاسی در ایام انتخابات تمام وقت و سرمایه خود را برای بستن لیست های انتخاباتی صرف می کنند، و با اعلام این لیست ها در روزهای انتخابات فضای رسانه ای را به گونه ای رقم می زند، که رای دادن به چنین لیست هایی برای مردم حجت قطعی و شرعی است و خلاف آن ضربه به وحدت و کمک به رقیب است. لیست های ساندویچی گروه های سیاسی که پشت درب های بسته و اغلب نه براساس شایستگی ها و اصلح بودن اشخاص، که براساس

.....

چرا رفتار برخی مدعیان ولایت مداری...!

علی کمیلی ■ عضو شورای مرکزی اتحادیه بین المللی امت واحد

است. او نامی برای جمع ارزشهای والای انسانی و الهی است و باید دید چه کسی در عمل به این ارزشها نزدیک شده است و او را در خط اسلام ناب به حساب آورد. ظاهرگرایان علاوه بر اینکه نگرش تمدنی را به مسلخ می برند، به شرایط کنونی که جان و مال و ناموس شیعه و سنی بخاطر فقدان عزت و قدرت جولانگاه دشمنان و کفار شده است بی توجه اند!

علمای اصیل و پویدن سیره علوی

بصیرت انقلابی علمای بزرگ شیعه و سنی در زمانه ای که حاکمیت اسلام در حال ضربه خوردن بود بسیار درس آموز است. بعنوان نمونه می دانیم که استعمار غربی پس از پنج قرن وارد کشورهای اسلامی شد و این مساله دلیلی نداشت جز حاکمیت امپراطوری های اسلامی در مناطقی که مسلمانان ها زندگی می کردند. در حالی که پس از درگیریهای تلخ عثمانی - صفوی دشمن انگلیسی راه تضعیف مسلمان ها را یافت و اقلیتهای شیعه و سنی تحت فشار قرار گرفتند اما علمای بزرگ شیعه یعنی آخوند خراسانی، محمد کاظم طباطبایی یزدی و ... در ایام حمله ایتالیایی ها به لیبی حکم جهاد علیه آنان را صادر کرده و در میانه جنگ جهانی اول که دشمن به بلاد امپراطوری عثمانی حمله کرد، حکم وجوب دفاع از این بلاد را صادر نمودند. این دقیقاً همان سیره علوی است که تباین ذاتی خود با کفار را هرگز بسر اختلافاتی که با برادر مسلمان خویش دارد ترجیح نمی دهد و می داند که اگر امروز نقایص و ظلمهایی هست اما فردا که دشمن کافر بر جان و مال و ناموس مسلمین سوار شد هم شیعه و هم سنی مورد تعرض خواهند بود و متأسفانه پس از فروپاشی قدرتهای اسلامی همان شد که نباید می شد و دیدم که حتی چادر از سر زن شیعه و سنی از تهران تا استانبول و از مصر تا هند کشیده شد!



باییم ولی صدها مورد تاکید بر مساله عدالت و نفسی ظلم را می توان دید حال می بینیم که جریان سنتی از علی علیه السلام که نماد عدالت است دم می زند ولی خود دغدغه عدالت طلبی و ظلم ستیزی ندارد! چطور این جمع ممکن است خدا می داند ولی متأسفانه بخش مهمی از این جریان نسبت به ظالمان عالم موضوعی ندارند و عجیب انکه نسبت به برادران مسلمان احساس عداوت و دشمنی می کنند و این حس را نیز منتشر می نمایند!

اینان به روح دین که همانا اجرای عدالت و ایجاد زمینه بندگی است کم توجه اند و فقط به اسم شیعه عنایت دارند حال آنکه چنانچه گفتیم شیعه یا سنی که همراهی با ظالم دارد و در ذیل سیاست های آمریکا گام برمی دارد مانند ملک عبدالله یا الهام علی اف شیعه و سنی حقیقی نیست و در دستگاه اسلام ناب امام در ذیل اسلام آمریکایی تعریف می شود.

آری! علی علیه السلام روح دین است ولی نه اسم او که روح ارزشهایی که در او متجلی شده

داده اند و «حفظ وحدت مسلمانان» را شرط اصلی تحقق «قدرت و عزت اسلام» می دیدند. طبعاً اینها مانع تذکر و نقد و اصلاح وضع موجود نبود و خصوصاً در زمان خلیفه سوم که از سنتهای نبوی فاصله بیشتری گرفته شد اعتراضات ایشان روی به فزونی گذارد. (ر.ک به فصل امام علی ع در کتاب انسان ۲۵۰ ساله) جریان سنتی اما متأسفانه از کسی که نماد وحدت امت اسلامی و گذشتن از حق الهی خویش بخاطر اسلام است، بهانه ای برای اختلاف و درگیری ساخته اند که این ظلمی بزرگ در حق ایشان است.

علی نماد عدالت و ولایتی های ساکت!

تکنه دیگری که درباره نوع نگرش سنتی در قبال دین قابل توجه است اینکه مواجهه ایشان با آموزه های دینی نیز از منظر همین مساله یعنی دفاع از حق مغضوبه است. مثلاً اگر کل نهج البلاغه را بنگریم جز در موارد بسیار معدود مساله اینکه خلافت حق ایشان بوده است را نمی

زمین خواری قانونی

رسول کدیور • دبیر سابق مجمع دانشجویان عدالتخواه شیراز



بله، البته بعدها از طریق مدیران شرکت قرار شد تا وام‌های ده میلیونی به مردم بدهند که آنها هم سودهای بالا بود و مردم حدود ۱۵ میلیون باید پس میدادند.

اینجا سوال پیش آمد که چرا هیچ شفافیتی از سوی این سه شرکت تعاونی نیست و با پیگیری‌های ما، از طرف اداره تعاون مسکن قول‌هایی داده شد که الان تازه پس از این همه سال مجتمع به حضور متقاضیان جهت اعلام وصول پروژه تشکیل شده است. از اسم مردم و با پول مردم این زمین‌ها را تغییر کاربری داده اند ولی هنوز این زمین‌ها به نام شخص دیگری است. حتی اعلام کرده اند که ما در این زمین شریک نداریم، آنها باز هم این مسئله را شفاف سازی نکرده اند. مبالغی که ما داده ایم از نظر ما کافی بوده و نیازی به شریک جهت تقسیم هزینه‌های مالی جهت ساخت نبوده است که اگر فرضاً مبالغ کافی نبود چرا از همان ابتدا به مردم اعلام نکرده اند که این مقدار کسری داریم و هر بار مردم را تهدید به خروج از اولویت ساخت یا اینطوری امتیاز می‌کروند؟ آیا این یک تبانی برای داشتن شریک از طرف خود شرکت نبوده است؟ الان بعد از ۵ سال فقط شالوده ساختمان‌ها پی‌ریزی شده است.

حالا به مردم اعلام کرده اند که زمین ها مشکل دارد و باید تا ۱۴۰ میلیون وجه واریز کنند که پروژه تکمیل شود/ یعنی پروژه ای که با نام مسکن مهر و حتی قیمت زمین، حداکثر ۴۰ میلیون تومان هزینه بردار بوده چطور الان ۱۰۰ میلیون اضافه تر طلب میکنند؟

به گزارش **سایه سبز**، مطلع شدیم که جمعی از مردم متقاضی مسکن مهر بلوار دولت، به نحوه ساخت و مدیریت اعتراض داشتند و کار ساخت منازلشان هنوز هیچ پیشرفتی نداشته است. از این رو تصمیم گرفتیم طبق رسم مینشی **سایه سبز**، بازتاب دقیق مشکلات مردم باشیم. پای صحبت های کارگری زحمتکش در شرکت گاز مینشیم که خود یکی از متقاضیان است.

مسئله دوم: سلام. خودتان را معرفی کنید.

سلام علی شجاعی هستم یکی از نمایندگان ۵۰ نفر از متقاضیان مسکن مهر

مسئله سوم: لطفا توضیح دهید که مشکل شما و سایر متقاضیان چیست؟

در سال ۸۹-۸۸ به ۸۰۰ نفر از متقاضیان مسکن مهر اعلام میشود که پروژه آنها در بلوار دولت توسط سه شرکت مسکن ساز ساخته خواهد شد. پس از مدتی بازرسی اداره تعاون مسکن به اینها اعلام میکند که این زمین ها خود مالکی است و از اسم مسکن مهر سوء استفاده نکنید و این سه شرکت اعلام میکنند که ما آن را با خود مردم حل میکنیم. پس از مدتی که مردم را با خبر کردند قرار شد که ۸ میلیون اضافه تر نسبت به مسکن مهر واریز شود که در واقع زمین هم به نام مردم گردد و مردم صاحب سند باشند اما هنوز هیچ پیشرفتی در کار نیست. فیش های واریزی ما به نام مسکن مهر است و دولت هم این پروژه را خودمالکی و جدا از مسکن مهر میداند و به همین دلیل اعضا از دریافت وام مسکن مهر کنار گذاشته شده اند.

مسئله دوم: یعنی همه پولها را مردم نقدی داده اند؟ بدون وام مسکن مهر؟

ارمغان توافق با شیطان بزرگ؛

تعطیلی کم نظیر کارگاه‌های تولیدی و واحدهای صنعتی

• علیرضا فقیر • کارشناس رسانه



اقتصادی واحدهای صنعتی و تولیدی بیکار شده‌اند.

کارخانه صنعتی آز مایش مرودشت

کارخانه آز مایش مرودشت که با هدف تولید لوازم خانگی تأسیس شد، اکنون با وجود گذشت ۶ سال از آغاز تأسیسات کارخانه هنوز راهکار اساسی برای رفع بحران این کارخانه شنیده نشده است. کارخانه‌ای که بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران خود را تعدیل نیرو کرد و اکنون تعطیل شده است. علی‌رغم وعده نعمت زاده وزیر صنعت و معدن با بازگشایی کارخانه آز مایش هیچ اراده‌ای برای فعالیتهای مجدد آن وجود ندارد و ظاهراً زمین این کارخانه برای مالکان بازرشتر از فعالیت اقتصادی آن کارخانه است.

شیراز
کارخانه مخابراتی راه دور شیراز که پروژه ملی
کارت هوشمند سوخت را اجرا کرد، خود قصبه
پره‌ای اشنه است که اکنون مطالبات ۳۰
میلیارد تومانی ۱۳۹۶ کارگر آن از سال ۸۵
تاکنون پرداخت نشده است و متأسفانه قرار بود
بزرگترین کارخانه تعطیل شده استان را موجب
حراج بزنند و با قیمت ۲۰۰ هزار تومان برای
هر متر مربع به مزایده گذاشته شود که خوشبختانه
این طرح لغو شد. نهایتاً امروز با شنیدن کلمات:
اخراج و تعطیلی کارخانه، کارکنی کارگر، تجمع؛



ارمغان نواقی با شیطان بزرگ تعطیلی کارگاههای تولیدی و واحدهای صنعتی و بیکار شدن تعداد زیادی از کارگران صنایع استان فارس است، بهطوری که در سال گذشته حدود ۱۱ هزار کارگر استان فارس به دلیل تعطیلی واحد تولیدی یا تعطیل نیرو بیکار شدند و براساس برخی آمارها تا پایان مردادماه امسال ۱۱ هزار و ۳۹۷ نفر بیکار استان شده‌اند که از این بین ۲۲۱ نفر به دلیل اتمام قرارداد اخراج شده‌اند و مابقی نیز به دلیل رکود

دردنامه

محمد جهان بخش • بخشدار اسبق شیراز

مسئولین وزارت نفت، تحویل بگیرند؛

«خودسوزی» و لکه ننگی که برایمان خواهد ماند...

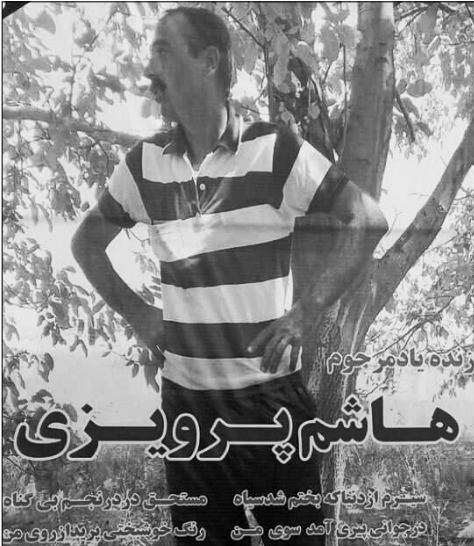
شهر گچساران پنجمین ابر مخزن نفتی دنیاست که با تأمین یک سوم نفت و گاز کشور بام نفتی ایران نام گرفته است اما غالب محله‌های این شهر دارای زندگی متوسط و سطح پایینی هستند که این نتیجه ناهمابامات اقتصادی و عدم اهتمام جدی به محرومیت‌های موجود در این شهر می‌باشد. متأسفانه پس از سال‌ها مدیریت ناکارآمد در این استان، شاهد اختلاف طبقاتی فاحشی در این شهرستان هستیم. این بار صدای بی توجهی و نبود مدیریت جامع از نرفته‌های کارگری نیز به گوش می‌رسد.

با کمال تأسف و تأثر این بار «خودسوزی» یکی از کارگران نفتی، ما را، خانواده ایشان و او امامی که برای همین پابرهنگان و ولی نعمتان قیام کرده بود را به عزای خود نشاند. هاشم پرویزی در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات کارگری روز ۲۸ آذرماه ۹۴ خود را سوزاند. پرویزی کارگر شرکت رزک تئاری و خاک برابری در کمپ کاکا، مبارک چیچساران بود که به دلیل عدم پرداخت مطالبات چند ماهه خودسوزی به این شرکت مراجعه کرده و مورد بی مهری قرار میگیرد. پرویزی آخرین بار با حضور در محل شرکت، برای ایجاد راهمه در میدان، با ریختن بنزین روی بدن خود، مدیران شرکت را به خودسوزی در صورت عدم پرداخت مطالباتش، تهدید می کند. بر اساس اخبار واصله با سید ندیک مدیر فندک به بدن وی ابتدا صورت ایشان آتش میگیرد و سپس سایر اعضا هاشم پرویزی در آتش سوخته که با وجود اعزام به شهر چیچساران و انتقال ایشان به یاسوج متأسفانه وی به دلیل شدت جراحات حاصل از آتش سوزی فوت میکنند

گویا این اعتراضات یک روند متناوب است؛ فراموش نکرده ایم، ۱۸ بهمن ماه ۹۲ هم‌زمان با بازدید حسن روحانی، رئیس‌جمهور، ایران از وزارت نفت، فردی مقابل ساختمان این وزارتخانه اقدام به خودسوزی کرد. گفته می‌شود این فرد بازنشسته وزارت نفت بوده و وزارت نفت تصمیم داشت که خانه‌های سازمانی بازنشستگان را پس بگیرد. حتی بازنشستگان در این زمینه اعتراضاتی نیز کرده بودند ولی با این وجود باز هم اقدامی از سوی وزارت نفت صورت نمی‌گیرد.

میاناید معنای «خودسوزی» چیست؟ کار باید به استخوانان
رسیده باشد، احتمالاً دیگر ابروی مقابل زن و بچه تان دیگر نباید
داشتن باشید تا شاید که تصمیم بگیرد جان عزیزتان را به سخت ترین و
پندرتنرین شکل ممکن از بین ببرد. گویا در کنار عادی سازی روابط
با شیطان بزرگ، دیگر به آتش کشیده شدن تن و جسم انسانها هم
برایمان عادی شده است.

«نگذارید مردم فقیر شوند تا کافر شوند؛ شاید امثال آقا هاشم‌ها ترجیح می‌دهند به جای آنکه «کافر» شوند در «آتش» این دنیا بسوخته شوند؛ برای دوری از آتش آخرت (که نتیجه کفر است) به آتش این دنیا روی می‌آورند. لکه این ننگ و ظلم روزی دامان جمهوری اسلامی را خواهد گرفت، این وعده خداست. خداوند قومی و حکومتی و انقلابی عقد اخوت نبسته است. ملاک مشروعیت و لازم دینی مانند لکه این حکومت دینی، (عدالت اجتماعی) است، بی‌رو برگرد. لکه این ننگ و ظلم روزی دامان برخی مسئولین بی تفاوت را خواهد گرفت...



«الملک یقیی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم»؛ «حکومت با کفر
 می ماند اما با ظلم محکوم به فناست. ظلم همه جا و از جانب همه
 کس «ظلم» است؛ فرقی نمی کند که ظالم معمم باشد یا کز او تائی...
 اگر جمهوری اسلامی نتواند عدالت اجتماعی را به صورت نسبی
 در شفاف طبقاتی را کاهش داده و فقر را ریشه کن کند؛
 اگر نتواند عامل این «خودسوزی ها» را مرتفع کند، خودش دچار
 «خودسوزی» می شود؛ انقلاب با دستن خوردش و به وسیله یاران
 سابقش به آتش کشیده می شود؛ هیچ انقلابی در طول تاریخ توسط
 دشمنین خارج از این نبوده است...؛ خودمان را برسیم...

در کنار مقصران این ماجرا، تمام کسانی که نسبت به این فاجعه سکوت کرده اند، در به آتش کشیدن بدن این کارگر معترض، نقش دارند؛ چرا که الساکت اخو الراضی، ساکت برادر راضی است...

«اگر بنا باشد که هر جا آدم برود می بیند که [دانش] مردم دارند شکایت می کنند. زن و بچه مردم می آیند گریه می کنند. می آیند [التماس] می کنند. من هم خسته دارم می شوم. خدای داند که من در آن رژیم سابق هیچ وقت از هیچ چیز خسته نمی شدم، هر فشاری می آوردند بر من خسته نمی شدم، حالا دارم از خودمان خسته می شوم. اگر چرا باید این طور باشد، فکر می بکنید. اگر دیر بجنبید اسلام را در خطر نزاع و قتل آبروش قرار داده‌اید. مسئول همه ما.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۱۶)

۱۰۰ هزار تومان بابت زمین پول گرفته اند و الان همان زمین چند برابرزش دارد. البته مردم قبول نکرده اند که بفروشند و خواستار ساخت خانه هایشان هستند.

باید حساب مالی شرکت بررسی و مورد حسابرسی قرار بگیرد. باید حساب شود که مردم اگر زمین ها را بفروشند برایشان بهتر است یا اگر بسازند؛ ما شکایت کرده ایم و الان پرونده به دستور قاضی به اتاق تعاون جهت حسابرسی ارجاع شده است.

مردم به دولت و نام مسکن مهر اعتماد کرده اند و حال پاسخ این اعتماد باید این باشد؟ اینها به مردم ایراد نمیگیرند که مردم هزینه را از سوی نکرده اند، ولی وقتی شفاف سازی از سوی شرکت صورت نمیگیرد مردم چگونه باید پول بدهند؟ از طرفی اگر عده ای پول نداده اند، چرا کل پروژه باید متوقف بماند؟ میتوانست بعضی از بلوک هایی که هزینه آن پرداخت شده را بسازند. عده ای از متقاضیان به دلیل عدم شفافیت و عدم پاسخگویی از تقاضای خود صرفه نظر کرده اند و اوصاف داده اند چون حس کرده اند که شاید کلاهبرداری در کار باشد.

سوالی مرسوم: اصلی ترین بهانه توقف کار چه بوده است؟

میگویند تغییر کاربری داده نشده و مشکل از ساختار کمپسون ماده ۵ بوده است. ولی چطور یک زمین بدون تغییر کاربری و داشتن آن همه مشکل باید جهت مسکن مهر در نظر گرفته شود و مردم وارد قضیه بشوند. به ما قول داده بودند که حداکثر تا سال ۹۱ در منازلمان باشیم اما تازه شالوده آن پی ریزی شده است. مشکل مالی را هم بهانه میکنند اما چرا از همان ابتدا به مردم اعلام نکردند که نمیتوانند بسازند و حال پس از ۵ سال به مردم می گویند. چرا از شفاف سازی فراموش میکنند؟ چرا حساب های مالی شرکت معلوم نیستند؟ چرا از همان ابتدا اعلام نکردند که زمین ها خود مالکی است؟

مسئله دوم: مسئله از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

.....

کارخانه قند فسا

اما در آخرین مورد کارخانه قند فسا است که اخیراً برای دومین بار تنها بعد از ۴۰ روز کاری به دلیل نبود مواد اولیه تعطیل شد و ۲۴۰ نفر از کارگران مشغول به کار در این کارخانه کار خود را از دست دادند. اکنون کارگران بیکار شده دست به اعتراض و تجمع زدند که با تهدید از طرفی و وعده های پوچ مسئولین روبرو شده اند. به این لیست بلند بسید صنعت و تولید در فارس می توان کارخانه کمرسید اخشان، کارخانه ذوب آهن پاسارگاد، کارخانه لامپ سازی شیراز و ده ها کارخانه و صنایع تولیدی اضافه کرد که همگی در سایه بی توجهی دولت ها به تولید ملی و تقویت درونی اقتصاد به خاک سپاه نشسته اند. وضعیت رکود اقتصاد و تعطیلی واحدهای تولیدی ریشه در فسادهای ساختاری دارد که نشأت گرفته از تفکرات لیبرال سرمایه داری میبران و اقتصاد دانان حاکم بر مجموعه کشور است که متأسفانه با تغییر دولت ها این رویه در اقتصاد ثابت مانده است.

برای نمونه نقش مخرب و دلال گونه بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌های فساد و رکود در صنعت و تولید است. اکنون بیش از ۹۰ درصد کارگاه‌های تولیدی در فارس در ضمانت بانک‌ها هستند و بانک‌ها به جای اینکه با پرداخت تسهیلات با سود کمتر سرمایه‌گذاران را به رونق دوباره آن کارخانه تشویق کنند به‌دنبال استفاده از زمین کارخانه‌ها و ساخت و ساز در آنها هستند. امروز بانک‌ها به جای حمایت از تولید ملی اصلی‌ترین نقش را در تجاری‌سازی بی‌رویه و ترویج مصرف‌گرایی دارند. از طرفی همانطور که اشاره شد، در کارزار جنگ تمام‌عبار اقتصادی معطل کردن تمام امورات کشور به‌لیند کدخدای، رفع دروغین تحریم‌ها و بی‌توجهی به تقویت ساخت‌ودرونی اقتصاد موجب شده است که امروز با گذشت بیش از دو سال از شعارهای دولت با رکودی عمیق در اقتصاد و صنعت روبرو شویم.

در همین حال مسئولین استانی هم علی رغم شعارهای جذب سرمایه گذار (توانمند سرمایه بردار) بیشتر مشغول حواشی و میتینگ های انتخابی هستند و چشم به مجلس آینده دوخته اند تا خدمت و رسیدگی به مشکلات کارگران و توده های مردم، گروه ها و احزاب سیاسی استان در عوض توجه به دغدغه های اصلی مردم و حل این معضلات در صنعت و تولید، درگیر بازی های چپ و راست و بستن لیست های ساندویچی غیر انقلابی هستند.

آمار۱ تکان دهنده که نتیجه بی تدبیری مسئولان در تأمین مسکن جوانان است:

۱/۵ میلیون زوج در مجرد قطعی!!!

محمد جواد جلاقرد* کارشناس شهرسازی

از نیاز های اساسی بشر از ابتدا تاکنون نیاز به خوراک، پوشاک و سرپناهی جهت سکنی گزیدن و زیستن در آن است. همیشه یکی از دغدغه های جدی همه مردم جهان، داشتن مسکنی متناسب با نیازشان بوده است، به طوری که مسأله مسکن مناسب و تهیه سر پناه برای اقشار مختلف مردم، دغدغه همه حکومت ها و دولتها بوده است و حتی دولتهای نئولیبرال هم از آن فارغ نبوده و نیستند.

در دین مبین اسلام، بر تأمین حقوق اولیه مردم توسط حکومت اسلامی تأکیدات جدی شده است، تا جایی که حضرت علی(علیه السلام) زمان حکومت شان در کوفه می فرمایند: «ما أَصْبَحَ بِالْكَوْفَةِ أَحَدًا إِلَّا نَاعِمًا، إِنَّ أَذْنَاهُمْ مَنْرَلَةٌ لِّيَأْكُلَ مِنَ الْبُرِّ وَ يَحْلِسَ فِی الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَّاءِ الْفُرَاتِ؛ همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین ترین آنها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می نوشد»

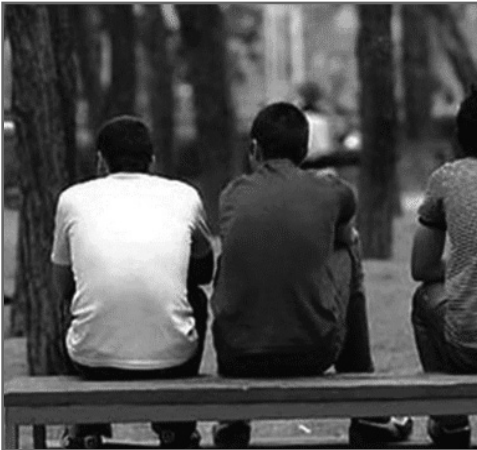
در این کلام، سه موضوع مطرح شده: ۱) نان گندم (خوراک)؛ ۲) سرپناه (منزل مسکونی)؛ ۳) آب سالم(بهداشت). این امور به عنوان حداقل نیاز مردم با تأمین رفاه در کف است و رساندن رفاه به سقف، برنامه بعدی امام بود.

با پریایی جمهوری اسلامی ایران، دسترسی به مسکن متناسب با نیاز مردم، به عنوان یک حق قانونی در اصول ۳، ۲۱ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عهده دولت گذاشته شده است.

اهمیت اجتماعی و اقتصادی بخش زمین و مسکن

بخش زمین و مسکن یکی از مهمترین بخش های اقتصادی است که علاوه بر اهمیت در اقتصاد خرد و کلان، تاثیرگذاری بسیار زیادی بر مسائل فرهنگی و اجتماعی دارد. عدم توجه به این مبحث، در گسترش مشکلات اجتماعی در کشور نقش بسزایی داشته است.

به طور مثال عدم توانایی در خرید یا حتی اجاره مسکن، بدون تردید یکی از دلایل عدم تمایل جوانان به ازدواج به موقع است. به طوری که در شرایط کنونی در کشورمان، افزایش سن ازدواج به عنوان یکی از مهمترین مسائل اجتماعی و فرهنگی مطرح است، زیرا بررسی آمارهای سازمان ثبت احوال نشان می دهد که قریب به ۱،۵ میلیون زوج از سن ازدواج گذشته و در مجرد قطعی قرار دارند. کاهش نرخ ازدواج سبب شده است تا سن ازدواج برای مردان از ۲۳،۸ در سال ۶۵ به ۲۶،۷ در سال ۹۰ برسد. البته متوسط سن ازدواج در کلان‌شهرهایی مانند تهران از مرز ۳۰ سال نیز عبور کرده است. این افزایش سن ازدواج تأثیر به سزایی در کاهش نرخ باروری داشته به گونه‌ای که نرخ باروری در سال ۹۰ به ۱،۸ رسیده است.



مسکن یا شغل؟

شاید برخی افراد تصور کنند که موضوع اشتغال تأثیرگذارترین مسئله در امر ازدواج است، اما مهمتر از آن، مسئله امنیت اقتصادی است، زیرا اگر نیازهای اساسی مردم، از جمله مسکن که بیشترین سهم را در سبد هزینه خانوار دارد (میانگین ۳۵ درصد در سبد خانوار و برای اقشار مستضعف نزدیک به ۸۰ درصد) حل شود، احساس امنیت اقتصادی بیشتر می شود و در نهایت این عامل می تواند تمایل جوانان به ازدواج به موقع را افزایش دهد. به عبارتی ساده تر اهمیت مسکن از اشتغال بیشتر است چرا که در حال حاضر و با توجه به نرخ بیکاری و نرخ اجاره بها در کشور، در نبود مسکن یک شغل پاسخ گوی نیازهای خانواده نیست، در صورتی که جوان صاحب خانه به راحتی توان تشکیل یک خانواده را خواهد داشت.

از سوی دیگر سهم ۲۸ درصدی بخش زمین و مسکن در تورم عمومی کشور سبب شده است تا مسکن از جایگاه ویژه ای در اقتصاد خرد و کلان بر خوردار باشد. در صورتی که دولت بتواند با برنامه ریزی مناسب زمینه کاهش و یا ثبات قیمت در بازار زمین و مسکن را فراهم کند ضمن افزایش توان اقتصادی خانوار زمینه کنترل تورم عمومی کشور را نیز فراهم کرده است.

مسکن و اقتصاد مقاومتی

از طرفی توجه به بخش مسکن، میتواند یکی از راهکارهای نیل به اقتصاد مقاومتی باشد. زیرا بخش مسکن بدون نیاز به ارز، در شرایط تحریم به خوبی می‌تواند به عنوان موتور محرک اقتصاد کشور عمل کند و با حرکت لوکوموتیوهای اقتصادی درون‌زا با اولویت تأمین نیازهای اساسی خانوار، منجر به اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی پایدار به صورت توأمان شود. در شرایط غیر تحریمی، به دلیل بیشترین ارتباط زمین با صنایع پیشین و پسین و مهم ترین نهاده تولید، کنترل و جلوگیری از سوداگری و هدایت این نهاده استثنایی در مسیر تولید، می تواند کشور را در مسیر پیشرفت و استحکام هر چه بیشتر اقتصاد قرار دهد.

ناکارآمدی

در حوزه بازار مسکن را

نمی توان

به تحریم ربط داد...

از بی برنامهگی تا ضعف ساختاری

..... به کوشش امین اسکوردی* کارشناس شهرسازی

امروزه اهمیت نقش زمین و مسکن در رسیدگی به معیشت و تأمین حقوق اساسی مردم بسیار قابل توجه است. یکی از مسائل بسیار مهم در این حوزه، نقش حاکمیت در تأمین مسکن مردم و مسائل پیرامون آن است. برای پاسخ به این پرسش سراغ یکی از اساتید صاحب حرف و ایده در این باره رفتیم؛ دکتر خلیل حاجی پور. رئیس سابق دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، استادیار گروه شهرسازی دانشکده شهرسازی و جوان ترین رئیس دانشکده در بین دانشکده های دانشگاه شیراز هستند؛ کسی که به ایده پردازی و تدریس صرف راضی نشده و بارها در میادین عملی ظاهر شده و مسئولیت پذیرانه در قبال برخی وقایع رخ داده در شهر واکنش نشان داده و چون بسیاری از اساتید، به رفت و آمد بین خانه و دانشگاه اکتفا نکرده اند. شاید مهم ترین و تاثیرگذارترین نقش آفرینی دکتر حاجی پور در جریان مصوبه شورای شهر شیراز(سال ۹۳) جهت تخریب بناغ فرزانه واقع در خیابان زند و ساخت برج های دوقلو ۲۵ طبقه شکل گرفت که به واقع نقش ایشان در توقف و جلوگیری از ضررهای ناشی از این مصوبه به شهر، قابل توجه و ستودنی است. در ادامه گفتگوی **مسلم‌موم با ایشان را خواهید خواند.**

مسلم‌موم: سوال اول ما از شما این است که نقش و جایگاه حاکمیت در حوزه مسکن چیست؟

به طور کلی برای ذکر مقدمه ای درباره مفهوم مسکن و جایگاهش در قوانین و حق مسکن می توان گفت که یکی از مهم ترین وظایف دولت ها اتخاذ سیاست های درست در بخش زمین و مسکن است زیرا دولت ها فارغ از جایگاه ایدئولوژیک و سیاسی ای که برای خود تعریف کرده اند عملکردشان درباره پدیده مسکن بسیار متفاوت و حائز اهمیت است. با بررسی تجربه کشور های سوسیالیستی، درمی یابیم نگاه متمرکز از بالا به پایین در زمینه مسکن و دخالت صدرصد در بحث تأمین مسکن، الگوی موفقی نبوده است. در مقابل دیدگاه دیگری معتقد است پدیده مسکن هم مشابه سایر کالاها در اقتصاد باید رقابتی شود و دولت خیلی نباید در بازار مداخله کند و باید اجازه بدهد دست نامرئی اقتصاد عرضه و تقاضا را کنترل کند و قیمت ها را به تعادل برساند. اما ویژگی هایی که خود کالای مسکن در اقتصاد دارد باعث ناکارمندی این دیدگاه شده است و شاهد پدیده شکست بازار هستیم به این معنی که بازار به دلایل مختلف امکان به تعادل رساندن قیمت زمین و مسکن را ندارد و دولت ناچار به مداخله است.

بروز پدیده خانه های خالی و مسکن های بدون استفاده، حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی و بی خانمانی از دلایل و مصادیق شکست بازار است! بنابراین حتی دولت های دارای نگاه کاملاً لیبرالیستی و سرمایه داری (بر مبنای عدم دخالت دولت در بازار)، در ارتباط با مسکن این استثنا را قائل هستند و به عنوان نقش حاکمیتی، برای خود وظیفه دخالت در این حوزه را تعریف می کنند. اصولاً دخالت دولتها در حوزه سیاست مسکن در سه عرصه مالکیت، حاکمیت و مدیریت قابل تعریف است. این مداخله در کشور ما مخصوصاً بعد از انقلاب عمدتاً در حوزه مالکیت متمرکز بوده است یعنی دولت تلاش کرده با استفاده از مالکیتی که دولت بر زمین ها و منابع ملی داشته مساله مسکن را حل کند. بعد از انقلاب بحث واگذاری های گسترده زمین-که به صورت انفرادی وجود داشت-، در دهه ۶۰ بحث طرح های آماده سازی زمین، در دهه ۷۰ شهرداری جدید و در دهه ۸۰ مسکن مهر به عنوان سیاست محوری دولت، همه نشان دهنده این است که دولت حل مسئله مسکن را صرفاً در قالب زمین جستجو کرده و از سایر ابزار های حاکمیتی و مدیریتی برای کنترل بازار مسکن و تدوین سیاست درستی در حوزه زمین و مسکن استفاده نکرده است. در خصوصی مسکن به عنوان یک کالا همانگونه که گفته شد دارای خصوصياتی قابل توجه و در مقایسه با سایر کالاها بعضاً منحصر به فرد می باشد که بسیاری از مسائل مربوط به عملکرد بازار مسکن و شرایط حاکم بر این بازار از جمله کیفیت شکل گیری قیمت‌ها و عوامل موثر برآن متاثر از همین خصوصیات است. بخشی از این خصوصیت ها، ویژگی های ذاتی خود کالای مسکن یعنی غیر قابل جایگزین بودن، حیاتی بودن این نیاز اولیه، غیرمنقول بودن و نداشتن قابلیت واردات (یعنی ما نمی توانیم از طریق واردات این نیاز را جبران کنیم)، زمان بر بودن تولید، ماهیت دوگانه مصرفی و سرمایه ای داشتن و یکسری متغیرهای دیگر بر می گردد.

اما یکسری ویژگی های ساختاری موثر دیگر هم وجود دارد که نیازمند توجه است: اول اینکه مسکن آئینه تمام نمای اقتصاد یک کشور است زیرا حداقل نیاز به ارز بری و عدم وابستگی به خارج دارد، تمام مصالح و نهاده های مورد نیاز برای تولید کالایی به نام مسکن که نیاز داریم در داخل امکان فراهم شدنش وجود دارد. پس ناکارآمدی در حوزه بازار مسکن را نمی توان به تحریم یا عدم ارتباط با سایر کشورها ربط داد و نشان دهنده ناکارآمدی سیاست ها و راهبردهایی است که در این حوزه انتخاب کرده ایم! نکته دیگر اینکه مسکن و ساختمان، ضربه گیر اقتصاد ملی است و دولت ها در جهت تعدیل و کنترل نوسانات اقتصادی در دوره های رکود و رونق سعی میکنند به این بخش متوسل بشوند. به دلیل اینکه بخش مسکن سهمی بیش از ۲۰ درصد در تشکیل سرمایه ثابت داشته و ۱۲ درصد از اشتغال مستقیم کشور و ۳۵ درصد از بودجه خانوار را به خود اختصاص داده است که بسیار قابل توجه است. نکته بعد خاصیت پیش رانگی است. یعنی ضربه ارتباطات پسین و پیشینی که بخش مسکن با سایر بخش های اقتصادی و صنعتی و خدماتی دارد که



مستقیم و غیر مستقیم با ۱۲۰ رشته فعالیت ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دارد. مجموع این شرایط باعث می شود که مسکن شرایط پیچیده ای پیدا کند، اما با همه این اوصاف سیاستگذاری در بخش مسکن را اغلب به عنوان موضوعی سهل و ممتنع تعریف میکنند و دولت ها از آن به عنوان شعار اصلی و سیاست کلیدی برنامه های خود نام می برند.

مسلم‌موم: آیا دولت توانسته است به این وظیفه خود عمل کند؟

اولین نکته در این خصوص توجه به یک شاخص بین المللی در خصوص مسکن است و آن به رسمیت شناختن حق مسکن در قوانین اساسی و اسناد بالادستی توسعه در کشورهای مختلف است. در نیم قرن گذشته در منشورها و اسناد مهم سازمانهای بین المللی شاخص حق مسکن به عنوان پیش نیاز تدوین یک سیاست کارآمد در حوزه مسکن از آن نام برده شده است. حدود ۴۱ کشور در جهان حق مسکن را در قوانین اساسی خود در نظر گرفته اند که جمهوری اسلامی ایران یکی از این ۴۱ کشور است. در قانون اساسی کشور ما در سه اصل ۳ و ۳۱ و ۴۳ به طور مستقیم بحث حق مسکن اشاره شده است. قانون اساسی داشتن مسکن متناسب با نیاز اقشار مختلف را به عنوان یک حق، وظیفه دولت تعریف کرده است اما مرور تجربه دولت ها بعد از انقلاب، ضعف دولت در ایفای این نقش حاکمیتی خود را نشان می دهد. جدای از اینکه چه دولتی و با چه شعاری و با چه گرایش سیاسی ای از بعد انقلاب روی کار بوده تقریباً همیشه با یک ناکارآمدی در بخش مسکن مواجه بوده ایم. به گونه ای که الآن سهم دولت در تأمین مسکن کمتر از ۵ درصد است.(۹۵ درصد بخش خصوصی)

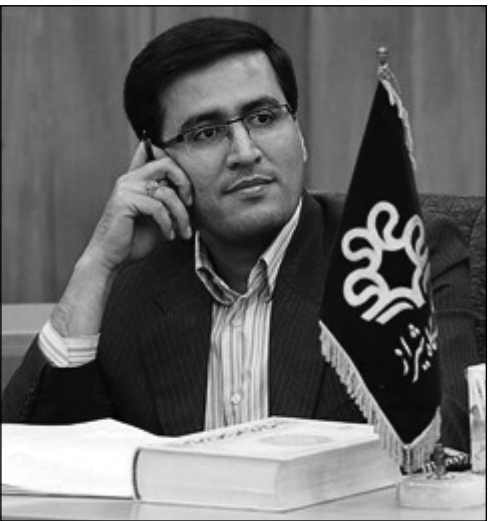
در ارتباط با بحث حاکمیت اولین گام به رسمیت شناختن حق مسکن در قانون اساسی بود که توضیح دادیم. اما راجع به اینکه آیا دولت توانسته به این حق پاسخ بدهد؟ وضعیت چندان رضایت بخش نبوده است! یعنی حاکمیت نتوانسته نقش خودش را به درستی ایفا کند، مثلاً عدم استفاده مناسب از ابزار های مالیاتی در کنترل بازار زمین و مسکن یا نبود سیاست های حمایتی برای تأمین مسکن اقشار کم درآمد و وضعیت فعلی مدیریت زمین و مسکن که خود گواه این ضعف است.

مسلم‌موم: مشکل از ضعف قانون است؟ یا در اجرای آن؟

باید تفکیکی قائل بشویم بین قوانین ترسیم کننده چشم اندازها و جهت گیری های کلی که یک نگاه راهبردی دارند مثل قانون اساسی که بخش اقتصاد ما را در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به رسمیت میشناسد. اما در مقام عمل در قوانین پشتیبان و مکمل پایین دستی که ضامن اجرای قانون اساسی است مشکل داریم. مثلاً در بحث برنامه های توسعه فرهنگی سیاسی اجتماعی بعد انقلاب، نتوانسته ایم پیوند درستی با قانون اساسی ای که حق مسکن را به رسمیت شناخته است برقرار کنیم! نکته دیگر اینکه به دلیل جابجایی دولت ها و تغییرات سیاسی کشور، متأسفانه سیاست های کلان در حوزه مسکن دستخوش تغییرات شده است. مثلاً طرح جامع مسکن -که برای اولین بار نگاه یکپارچه به مفهوم مسکن داشت و در اواخر دولت هشتم تهیه شد- با آمدن دولت نهم از حالت جامعیت خود خارج می شود و صرفاً بحث مسکن کم درآمد‌ها را مدنظر قرار می دهد و درباره سایر محورهای طرح جامع اقدامی صورت نمیگرد. دوباره دولت یازدهم، مسکن مهر را کنار گذاشته و مفهوم دیگری به نام مسکن اجتماعی مطرح میکند با جزئیات نامشخص. ولی قوانین اصلی به دلیل عدم پیوند بین سیاست های دولت ها و قوانین برنامه های

حاکمیت نتوانسته نقش خودش را به درستی ایفا کند، مثلاً عدم استفاده مناسب از ابزار های مالیاتی در کنترل بازار زمین و مسکن یا نبود سیاست های حمایتی برای تأمین مسکن اقشار کم درآمد و وضعیت فعلی مدیریت زمین و مسکن که خود گواه این ضعف است.

ما اگر اقتصاد شهری را متشکل از سه بازار سرمایه، کار و زمین تعریف کنیم باید بپذیریم که هیچ برنامه مشخصی برای حوزه زمین نداریم. داشتن یک سیاست مشخص در زمینه برنامه ریزی و مدیریت زمین، بستر اصلی حل مساله مسکن است.



توسعه و طرح های فرادستی -که باید با چهارچوب های کلان سیاست گذاری و قانون اساس کشور ارتباطی پیدا کند- به درستی اجرا نمی شود درحالی که قانون اساسی با پشتوانه اصول سه گانه اش ظرفیت تعریف چهارچوب محکم و مستقلى در حوزه زمین و مسکن دارد.

مسلم‌موم: وضعیت مسکن مهر در کل کشور و در شهر جدید «صدرا» را چگونه ارزیابی میکنید؟

شاید بزرگترین و گسترده ترین و دامنه دار ترین پروژه عمرانی بعد از انقلاب مسکن مهر بود به دلیل حجم فعالیت ها و حجم منابعی که برای تأمین مالی این پروژه صرف شد. شاه بیت اصلی این سیاست واگذاری حق بهره برداری از زمین و اجاره بلند مدت زمین برای به حداقل رساندن قیمت آن و کاهش قیمت نهایی مسکن بود. این یک سیاست کاملاً عمل گرا بود که باید نقاط قوت و ضعف و مزیت‌ها و معایب آن را به طور همزمان مد نظر قرار داد. از نکات مثبت طرح مسکن مهر می توان به توجه به بخش تعاونی اشاره کرد. بخش تعاونی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده بود ولی در چرخه تولید و سیاست مسکن در حاشیه رفته بود را مجدداً در کانون توجه قرار داد. مزیت دیگر اولویت قرار دادن دهک های کم درآمد بود. مزیت سوم کنترل عمومی سطح قیمت ها در حوزه مسکن، تبدیل مسکن از یک کالای سرمایه ای به یک کالای مصرفی، کاهش جذابیت های سوداگرانه در بازار مسکن، کنترل قیمت زمین و مسکن و بازگشت تعادل به بازارهای کلان اقتصادی، بهبود شاخص دسترسی به مسکن و افزایش امید به خانه دار شدن در خانواده های کم درآمد و مهمترین نکته استفاده از تسهیلات ارزان قیمت دولتی و وام های بانکی با حداقل بروکراسی بود. اما این پروژه به دلایل مختلف مثل عدم مطالعه کافی و شتابزدگی در تصمیم باعث بروز یکسری اشکالات شد که عمده ترین آن عبارتند از:

۱. عدم توجه به سیاست ها و طرح های فرادست

۲. نگرش تک بعدی و عدم توجه به مفهوم جامع مسکن و ارتباط بین مسکن و محیط مسکونی

۳. موضوع دیگری که مسکن مهر به آن توجه نکرد این بود که نمی توان مسکن کم درآمدها را بدون داشتن برنامه ای برای طبقه متوسط حل کرد و باعث شد خیلی از دهک های میان درآمد برای حل مساله مسکن خود به مسکن مهر گرایش پیدا کنند.

۴. مفهوم مسکن یک کالای محلی است و معمولاً مدیریت محلی و شهر داری ها در آن ورود میکنند اما این پروژه یک نگاه ملی و از بالا به پایین به مسکن داشت.

در بحث صدرا به عنوان یک نمونه موردی: صدرا شهر جدیدی بود که اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ مکان یابی شد (در فاصله ۱۵کیلومتری شمال غرب شهر شیراز) با هدف حل بخشی از مشکلات شهر شیراز. با مطرح شدن مسکن مهر شهرهای جدید قرار نبود به عنوان بستر شکل گیری مسکن مهر برنامه ریزی شُود اما بعد از به مشکل خوردن دولت در تأمین زمین در محدوده های قانونی شهرهای موجود، توجه به شهرهای جدید به دلیل ظرفیتهای زمینی که وجود داشت وارد سیاست دولت شد. ۲۳۰۰۰ واحد مسکن مهر در قالب پروژه های مختلف مکان یابی شد (هم در قالب خود مالک هم قراردادهای سه جانبه)، بیش از ۱۶۰۰۰ واحد آن تحویل داده شده و تا پایان سال ۹۴ بیش از ۹۰ درصد تحویل متقاضیان خواهد شد. یکی از مشکلات اصلی آن ها عدم انجام تعهدات توسط دستگاه خدمات رسان شهری مثل آب و فاضلاب و گاز و برق است. اما به نظر میرسدکه با تحویل واحدها کار تمام نیست و عمده فعالیت ها ساماندهی فرهنگی ساکنین پروژه های مسکن مهر جهت به حدقل رسیدن آسیب های فرهنگی تمرکز دهک های کم درآمد در یک منطقه خواهد بود که باید با جدیت دنبال شود.

مسلم‌موم: راهکار و پیشنهادی دارید؟

ما اگر اقتصاد شهری را متشکل از سه بازار سرمایه، کار و زمین تعریف کنیم باید بپذیریم که هیچ برنامه مشخصی برای حوزه زمین نداریم. داشتن یک سیاست مشخص در زمینه برنامه ریزی و مدیریت زمین، بستر اصلی حل مساله مسکن است. نکته دوم اینکه ما بیش تر حل مساله مسکن را در قالب عرضه و تولید بیش تر مسکن دنبال کردیم و مدیریت تقاضا و تنظیم و تدوین سیاست های مالیاتی در حوزه زمین و مسکن، همیشه حلقه معقودی سیاست گذاری در حوزه مسکن بوده و سیاست های مالیاتی میتواند یک راهکار مناسب ی ابزار حاکمیتی (مانند خیلی ازکشورهای موفق در حوزه مسکن) باشد. نکته بعدی اینکه پیوند بین بخش مسکن و سایر سیاست های اجتماعی (تأمین اجتماعی، خدمات شهری و ...) خیلی می تواند راهبردی باشد. در نهایت اینکه ما هیچ راهی نداریم جز اینکه نگاه ملی و متمرکز و تصمیم گیری از بالا به پایین را تغییر بدهیم و اقتضانات و شرایط محلی را در نظر بگیریم، یعنی یک بسته های سیاستی و نظارتی خاص برای رده ها و اندازه های مختلف شهری داشته باشیم (کلان شهرها، شهرهای میانه، شهرهای کوچک و ...) و شهر داری ها یا مدیریت های محلی را در فرایند سیاست گذاری و برنامه ریزی مسکن برای افزایش کارامدی ها و اثرگذاری ها، دخیل کنیم.

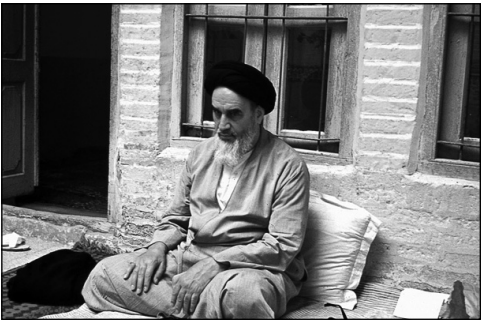
مسلم‌موم: از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید متشکریم.

ملت عزیز، برادران و خواهران دلیر و مبارز ایدیهم الله تعالی، اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستمدیده ایران بهرمند شوند، دورانی که باید شکوه نظام عدل اساسی را لمس کنید، دورانی که همه باید دست‌به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنید.

شما مردم شریف ایران در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید و توانستید با اتکا به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرتها را بلرزانید، اکنون نیز باید با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید و با تأیید الهی به نجات مردم مستضعف کمرهمت ببندید.

در رژیم منقور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبت بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود. بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانکها و سودجویان و غارتگران بسر می بردند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم به کلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایای بیغوله ها و اطاقکهای تنگ و تاریک و خرابه ها به سر می بردند و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن بپردازند و این میراث شوم برای ملت ما باقی مانده و اکنون جامعه با چنین مصیبتی دست به گریبان است . نظام اسلامی چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد، مشکل

اولین پیام اقتصادی امام روح اله بعد از انقلاب چه بود؟هیچکس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد...



زمین باید حل شود و همه بندگان خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند، هیچکس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره ای بیندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند. اینجانب حساسی به شماره یکصد(۱۰۰) در تمام شعب بانک ملی

.....

در دولت یازدهم با یک عقب گرد در حوزه مسکن مواجهیم؛

رکود بی سابقه مسکن

..... مائده تدینی *کارشناس رسانه

افتتاح کرده و از همه کسانی که توانایی دارند دعوت می کنم که برای کمک به خانه سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند و در هر محل از بین افراد صالح و مورد اعتماد گروهی حداقل مرکب از سه نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت انتخاب شوند تا با صرفه جویی و دقت تمام خانه های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار دهند و در این طرح هیچ پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود. من امیدوارم همه کسانی که زمین های وسیعی در اختیار دارند به این امر مهم اسلامی و انسانی کمک کنند و زمین در مناطق مرغوب و قابل سکونت در اختیار این طرح بگذارند و نیز هرکس که توانایی دارد در تأمین انواع مصالح ساختمانی به این خدمت اسلامی کمک کند و نیروی کار و کارگری به طور وسیع به کارافتد و دولت نیز تصمیمات لازم را در تأمین آب و برق و آسفالت و وسایل ایاب و ذهاب و مدرسه و درمانگاه و دیگر نیازمندیهای عمومی فراهم سازد.

بنیاد مستضعفین نیز باید به کمک این طرح بشتابد و از اموال صادره شده خاندان پهلوی و اطرافیانش در این طرح استفاده شود و نیز دولت باید در طرحهای اساسی و درازمدت خود برای حل این مشکل در سطح عموم طرحهایی تهیه کند و اکنون این یک تجربه تازه از بسیج نیروی ایمان جامعه در راه تعاون اسلامی و مبارزه با محرومیت است که ملت با توفیق الهی باید از آن نیز سرافراز در آید . من با کمال تواضع از ملت عزیز در این امر حیاتی استمداد می کنم و سلامت و سعادت همگان را خواستاریم.

روح الله الموسوی الخمینی - ۱۳۵۸/۱/۲۱

.....

یکی از معیارهای مهم برای سنجش موفقیت و یا عدم موفقیت دولت‌ها در تأمین نیازهای مردم _ مردمی که همیشه و همه جا شعار رسیدگی به مشکلات و مطالبات آنان از زبان دولتمردان و مسئولین شنیده می‌شود _ اهتمام و توجه دولت‌ها به مسئله مهم و حیاتی «زمین و مسکن» است. برای نقد و بررسی عملکرد دولت یازدهم پیرامون این موضوع، سراغ یکی از جوان ترین و در عین حال قوی ترین کارشناسان حوزه زمین و مسکن رفتیم. فرهاد بیضایی، رئیس گروه سیاست گذاری زمین و مسکن شبکه تحلیلگران فناوری ایران و کارشناس اقتصاد مسکن این بار مهمان **مسکن‌م** برای گفتگو حول مسئله «عملکرد دولت یازدهم راجع به مسئله تأمین مسکن» می باشند. در ادامه مشروح این مصاحبه را خواهید خواند.

مسکن‌م: **سیاست‌های دولت یازدهم در حوزه مسکن پس از سیاست خارجه، از جمله خبرسازترین موارد در رسانه‌های ایران بوده است. از تیتیری که چندی پیش در روزنامه‌ها و خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت، مبنی بر اینکه وزیر مسکن و شهرسازی گفته بود «مسکن مهر مز خرف است» تا تجمعات و اعتراضات مردمی که در این زمینه شاهد بودیم. همچنین رکود بازار مسکن، به روشنی قابل ملاحظه و ملموس شده است. سیاست‌ها و عملکرد دولت یازدهم در زمینه مسکن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

دولت یازدهم در حوزه مسکن، همچنان به یک جمع‌بندی مشخص و مدون نرسیده است. این عدم جمع‌بندی و سردرگمی هم در وزارت مسکن و شهرسازی وجود دارد و هم در سطوح کلان اقتصادی. بنابراین وضعیت فعلی مسکن در ایران به دلیل نبود برنامه‌ریزی مناسب و عدم پایبندی به برنامه‌های قبلی است. یعنی دولت یازدهم نه برنامه مشخص و معینی برای مسکن دارد و نه حتی برنامه‌هایی که از گذشته در حال اجرا بود را ادامه می‌دهد.

در وضعیت فعلی، مسکن در حال ورود به یک رکود بی‌سابقه در زمینه تولید و عرضه است. حوزه مسکن از اهمیت بالایی برخوردار است و تأثیرات بسیاری بر اقتصاد خرد و کلان دارد. این اهمیت را می‌توان در سهم ۳۰ درصدی مسکن در تورم عمومی کشور یافت که اگر سیاست مشخص و مناسبی در نظر گرفته نشود، می‌تواند باعث افزایش بیشتر تورم عمومی کشور شود.

همچنین در سال‌های گذشته سهم بخش مسکن و ساختمان در اشتغال ۱۵ درصد بوده که به این معناست اگر تولید و عرضه مسکن کاهش یابد، بیکاری شافلان در این بخش را شاهد خواهیم بود. افزایش سهم اشتغال در حوزه مسکن و ساختمان باعث شده است که بیش از سه میلیون نفر در این حوزه اشتغال داشته باشند و بیش از ۱۰ میلیون نفر به صورت غیرمستقیم از این حوزه ارتزاق شوند. گفتنی‌ست، سهم مسکن در سبد هزینه خانوارها به طور متوسط بالای ۳۵ درصد از درآمد آنهاست که نشان از اهمیت بالای این بخش برای خانوارها دارد.

دولت یازدهم به دلیل عدم اعتقاد به سیاست های کلی و برنامه‌ریزی مناسب برای افزایش تولید و عرضه مسکن؛ باعث رکود در بخش مسکن شده است. برنامه‌های ساختمانی ما در سال ۹۲ بیش از ۷۶۰ هزار واحد بوده در حالی که این رقم در سال ۹۳ به ۳۶۰ هزار واحد رسیده که نشان می دهد آمار تولید مسکن در کشور بیش از ۵۰ درصد کاهش داشته است. این کاهش تولید مسکن در سال های آینده تأثیرات خود را در اشتغال بخش مسکن و برهم خوردن تعادل در بازار عرضه و تقاضا به وضوح نشان می‌دهد و این عدم

سیاست دولت گذشته در قالب عرضه مسکن مهر و حمایت از نوسازی مسکن روستایی می‌گنجد که باعث شد حدود ۴ میلیون واحد مسکونی با عنوان مسکن مهر و روستایی عرضه شود. اما سیاست‌های فعلی دولت باعث شد که عرضه سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی به ۱۷ هزار واحد رسیده و طبق آمار سال ۹۳ نوسازی واحد مسکونی روستایی به ۵ هزار برسد.

دولت یازدهم به دلیل عدم اعتقاد به سیاست های کلی و برنامه‌ریزی مناسب برای افزایش تولید و عرضه مسکن؛ باعث رکود در بخش مسکن شده است.



پرونده ویژه ماهنامه مسکن‌م۵شماره نهم ■ سال اول ■ دی ماه سال ۱۳۹۴ ■

وضعیت بخش زمین و مسکن در شرایط کنونی؛ این میراث شوم، همچنان باقی است!

هادی مسعودی * سردبیر

بعد از گذشت ۳۶ سال از انقلاب اسلامی، در بخش مسکن دولت های مختلف، سیاست هایی برای حل معضل مسکن انتخاب و در این راستا نیز توفیقات بسیار خوبی نسبت به دوران قبل از انقلاب، در زمینه مسکن روستایی و مسکن محرومان، کنترل زاغه نشینی و افزایش عرضه مسکن، انجام شد ولی به طور کلی، علی رغم توفیقات در دیگر بخش های کشور، در این بخش به دلیل کم توجهی برخی مسئولین به اهداف انقلاب و فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و توجه به نسخه های غیر بومی، عملکرد مناسبی مطابق با «نیاز های کشور» و «اهداف انقلاب اسلامی در آغاز» نداشته است، به طوری که همچنان اصل مشکل مسکن و شرایط اسف باری که امام خمینی (ره) درباره وضعیت مسکن در پیام تاریخی شان ذکر فرمودند به قوت خود پا بر جا است.

در شرایط کنونی نیز این میراث شوم برای ملت ما همچنان باقی مانده است... و مسئله مسکن یکی از مصیبت‌بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما است و بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه هستند و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانک‌ها و سودجویان و غارتگران به‌سر می‌برند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند.

به طوری که شاخص دسترسی به مسکن – که نشان دهنده مدت زمانی است که اگر یک خانوار، تمام درآمد خود را پس انداز کند می تواند صاحب مسکن ملکی شود- در کشورمان طبق آمار های داخلی ۱۲ سال و طبق آمارهای خارجی ۱۵ سال و در تهران به ۲۱ سال رسیده است.

در شرایط فعلی بانک‌ها در حوزه زمین و مسکن به شدت وارد سوداگری و نگاه داری شده اند و بجای آنکه از تولید در بخش های مختلف اقتصادی از جمله تولید و عرضه مسکن حمایت کنند، سپرده های مردم را به بخش های غیر مولد برده اند و خودشان تبدیل به یک بنگاه اقتصادی غیر مولد شده اند به طوری که مقام معظم رهبری در دیداری که با هیات دولت داشتند نیز بر خروج بانک‌ها از نگاه داری تاکید بسیار جدی داشتند. بسیاری از مفسدین اقتصادی، بدهی های کلان خود را به بانک‌ها پس نمی دهند و بانک‌ها هم عزمی بر گرفتن عموقات بانک ندارند، با این وجود، بسیاری از مردم کشورمان، تمام عمرشان را زیر بار بانک‌هاو غارتگران به‌سر می‌برند.

سودجویان و غارتگران در حوزه زمین و مسکن، حضور بسیار پر رنگی دارند و در شرایط کنونی، بخش زمین و مسکن، تبدیل به بهشت سوداگران شده است، بهشتی که بدون هیچ استرس و بدون دادن هیچ گونه مالیاتی، با خرید و فروش و احتکار خانه و زمین، ثروت های باد آورده بسیاری را نصیب سوداگران کرده است و بهشتی که سود های هنگفت دلالان را تضمین و وضعیت مسکن در کشور را به جهنمی برای مستضعفین تبدیل کرده است. به طوری که ۷۰ درصد از تقاضای مسکن کشورمان، تقاضای غیر مصرفی و سرمایه ای است، یعنی تقاضایی خرید زمین و ملک با انگیزه استفاده کردن از آن نیست، بلکه انگیزه سود و دلالتی است که یکی از دلالت اصلی افزایش قیمت زمین و مسکن در کشور است.



در شرایطی که قشر خاصی از مردم کشورمان، یک یا چندین خانه ی مجلل و اشرافی دارند، قشر عظیمی از مستضعفان جامعه به کلی از داشتن خانه محروم هستند و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن بپردازند. به طوری که در شرایط کنونی، سهم بالای مسکن در سبد هزینه خانوار – سهم ۳۵ درصدی که این سهم در دهک های پایین جامعه حتی به بیش از ۶۰ درصد می‌رسد – و همچنین بالا بودن میزان متوسط نرخ اجاره مسکن از متوسط درآمد خانوار در سال - که طبق نمودار ذیل: اجاره مسکن در کشور ما به حدی بالا است که با اجاره مسکن در شهر های بزرگ دنیا برابری می کند، در حالی که درآمد آنها چند برابر کشور ما است – باعث شده است، که بسیاری از مردم در وضعیت نا مطلوبی به سر ببرند و برای گذران زندگی از حقوق اولیه دیگر که هزینه بر هستند، مانند خوردن غذای سالم، داشتن تفریح بکاهند تا بتوانند اجاره خانه یا اقساط وام مسکن را بدهند.

نمودار بالا به خوبی نشان می دهد که به طور مثال اگر فردی در شهر مارسی یا ... شاغل شود، از همان اول می تواند خانه اجاره کند ولی در تهران متوسط اجاره از متوسط درآمد بالاتر بوده و فرد یا باید شغل دیگری داشته باشد یا طی چند سال اول اشتغال، توانایی پرداخت اجاره را نخواهد داشت.

هنوز دسترسی به مسکن و مسکن مناسب، به آرزوی تحقق نیافتنی بسیاری از مردم کشورمان تبدیل شده است و قطعاً نظام اسلامی چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد، مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند، همه ی محرومان باید خانه داشته باشند، هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیندیشد و بر همه ی مردم است که در این مورد همکاری کنند.»

.....

خانمی که خانه دار شدندش با اما و اگر ها پیوند خورده بود؛ در واقع پول ما بلوکه شده!

شهر صدرا که با هدف کاستن از مشکلات کلان شهر شیراز، همانند سایر شهرهای جدید طراحی و احداث شد(شمال غرب شیراز)، امروز به یکی از پر تراکم ترین مناطق از نظر سکونت جمعیت تبدیل شده است. صدرا میزبان جمعیتی بیش از صد هزار نفر است و بیشتر به صورت کمی گسترش پیدا کرده و به دلیل عدم مدیریت صحیح با مشکلات کوچک و بزرگی دست و پنجه نرم می کند؛معضلاتی چون نبود امکانات زیربنایی (آب، برق، فاضلاب)، سیستم حمل و نقل درون شهری، معابر و گذرهای سواره و پیاده و شاید از همه مهمتر مسکن مهر از جمله مشکلاتی است که امروز گریبانگیر شهر صدرا شده است.

شهر جدید صدرا در چهار راه مشکلات، میزبان مسکن مهر شیراز هم هست. مسکن مهری که نوید خانه دار شدن خانواده ها را می دهد اما با سرعت رشد پایین و همچنین کمبود خدمات رفاهی که می توان از کمبود سیستم حمل و نقل عمومی و مشکلات سیستم جمع آوری و تصفیه بهداشتی فاضلاب و مسیرهای تردد و دسترسی مناسب نام برد.مواجه است. شهر جدید صدرا دارای پروژه های مسکن مهر بسیاری از جمله ؛سدعمران پارس گستر (ملاصدرا)، تعاونی مهر ۳ (تعاون)، سحر فارس (ارگ)، وحدت بتون فارس (وحدت)، بناسازان رمضان (بهارستان)، نوآوران معماری فارس (رضوان)، وزارت دفاع (غدیر)، مدیریت توسعه گر ساختمان مهر (مهر بافت شهر شیراز ولایت)، پروژه تاکسیرانان، صدا و سیما، انجمن خیرین (ایثار)، ترکیب بنا (دراک)، عمران مارون (ارزن)، سیمان فارس و خوزستان (پارسه) و می باشد.

اوایل امسال بود که مهندس نریمان معاون وزیر مسکن و شهرسازی و مدیر عامل شرکت عمران شهرهای جدید، خبر اتمام پروژه های مسکن مهر این شهر را در سال جاری اعلام کرد و گفت: «به غیر از پردیس که پروژه مسکن مهر در این شهر نسبت به دیگر شهرها دیرتر کلید خورد، افتتاح هیچ پروژه مسکن مهری بعد از دهه مبارک فجر قابل قبول نخواهد بود». به احتمال زیاد این خبر برای متقاضیان مسکن مهر که چند سالی چشم انتظاری کشیدند خوش آیند بوده اما واقعیت ماجرا این است که حجم گسترده برخی پروژه ها و وضعیت نه چندان مناسب و رضایت بخش رونیایی و زیربنایی و رفاهی در شهر صدرا عملاً ناقض سخنان اخیر جناب نریمان است. برای بررسی وضعیت فعلی مسکن مهر به فاز ۲ صدرا رفتیم تا از نزدیک شاهد مراحل ساخت و ساز خانه های متقاضیان مسکن مهر باشیم. مسیر دور بود و اتوبوس صدرا هم یاری نمی کرد، قسمتی را باید پیاده روی می کردیم. جاده سرپایینی را طی کردیم تا بالاخره خارج از وقت اداری بتوانیم چند دقیقه ای میهمان حراست کارگاه مسکن مهر امام رضا(ع) بشویم. مرد مسن و خوش رویی که خود را کریمی معرفی کرد در پاسخ به سوال ما درباره تعداد واحدها و زمان بهره برداری و درصد پیشرفت ساخت و ساز گفت: «حدود ۸ سالی هست که ساخت ۲ هزار واحد مسکن مهر در فاز ۲ شهر صدرا شروع شده و تا الان ۷۰ درصد پیشرفت داشته که به قول سرپرست کارگاه تا پایان امسال تکمیل و به متقاضیان که اسمشان در قرعه کشی مشخص می شود، تحویل داده خواهد شد.

ایشان ادامه داد: تا به امروز هیچ واحدی تحویل داده نشده و در حال حاضر ۲۴۰ واحد آماده بهره برداری هست که همگی از نظر امکانات آب و برق و گاز کمبودی ندارند».
در مورد مبلغ واریزی متقاضیان پرسیدم و در جواب گفت: «اوایل هر خانواده ۱۷ میلیون تومان به حساب مسکن مهر پرداخت می کردند که مدتی بعد اعلام شد ۳ میلیون دیگر باید پرداخت شود و جمعاً شد ۲۰ میلیون تومان که خود متقاضی باید پرداخت می کرد که ۳۰ میلیون هم دولت وام می داد». آقای کریمی که از ساخت و سازهای فاز یک هم خبر داشت گفت: «فاز یک هم ۲ هزار واحد دارد که ۷۰۰ واحد مسکن مهر تکمیل شده و گویا تا یکی دو هفته دیگر به متقاضیان تحویل داده می شود».

برای اینکه صحبت متقاضیان مسکن مهر را هم بشنویم به سراغ خانم رحمانی رفتیم که خانه دار شدندش با اما و اگر ها پیوند خورده و معلوم نیست در شهر صدرا صاحب خانه می شود یا نه. خانم رحمانی ماجرا را اینطور تعریف کرد: «از سال ۹۰ برای مسکن مهر ثبت نام و مبلغ ۲ میلیون تومان هم واریز کردم. ۲۶ فروردین سال ۹۱ از طرف روابط عمومی شرکت عمران شهر صدرا در روزنامه خبر، آگهی شده بود که متقاضیان مسکن مهر شهر جدید صدرا (پروژه معماران پارس صنعت) باید از تاریخ چاپ آگهی تا ۲۱ اردیبهشت ۹۱ مبلغی را به حساب مسکن مهر شعبة صدرا واریز کنند.

در این آگهی نوشته بودند: کسانی که ۲ میلیون تومان پرداخت کردند ۴ میلیون و سیصد هزار تومان دیگر هم باید واریز کنند، که ما همین کار را انجام دادیم اما بعد از مدتی که به شرکت پارس صنعت مراجعه و با پیمانکار صحبت کردیم گفتند: اگر زمین بدهند ما خانه را می سازیم اما به اسم شما زمینی وجود ندارد!! خانم رحمانی که ناراحتی از چهره اش می یابید، امیدیی به خانه دار شدن نداشت و میگفت: «برای پس گرفتن پولمان هم پیگیر شدیم اما گفتند: تهران باید اجازه بدهد و فعلاً نمی شود و در واقع پول ما بلوکه شده. برخی آشنایان به من توصیه به صبر می کنند و میخوانند با این جمله که «۴ میلیون تآجا پس انداز میشود شاید بعداً صاحب زمین شدی» مرا دلداری دهند اما شما که بهتر میدانید با این گرانی و تورم پول را نیاز داریم و ممکن است پولمان هم از دستانم برود.»

از هر دو برای وقتی که در اختیار **مسلم‌پروم**: گذاشتند تشکر کردم. امیدواریم وعده تکمیل مسکن مهر صدرا تا پایان امسال محقق و مسئولان مربوطه برای کاهش مسائل و دل نگرانی های مردم صدرا، از جمله مسکن مهر (که دو سالی است بای میهری متولیان امر روبرو شده است) و هم مشکل فاضلاب که بایب توجهی و بی مسئولیتی عده ای از مسئولین، این روزها به معضل و تهدید زیست محیطی مبدل گشته، نهایت تلاش خود را به کار گیرند. البته که مسئولین محترم وزارت راه و شهرسازی در شیراز و تهران نباید انتظار داشته باشند برای تکمیل و ساماندهی مساکن مهر شیراز و برخی کلانشهرها مانند تهران با حداقل دو سال تأخیر، با تقدیر و تشکر مردم روبرو شوند؛ مردمی که چه بسا عده ای از آنان این دو سال تأخیر به قیمت بر باد رفتن تمام زندگیشان تمام شده باشد.

قبل از انقلاب مساله زمین و مسکن عمدتاً به عنوان رانت در اختیار افراد خاصی گذاشته می شد و این امر باعث شده بود تا مردم و محرومان از داشتن مسکن متناسب با نیاز محروم باشند، به طوری که این وضعیت اسف بار در پیام حضرت امام خمینی(ره) کاملاً شفاف بیان شده است. به طور کلی در حوزه زمین و مسکن دو نوع جهت گیری و نگاه کلی وجود دارد، جهت گیری اول بیشتر در برگرنده منافع عموم مردم است که بر ورود مستقیم دولت به همراه مشارکت مردم برای حل معضل مسکن توجه دارد، این نوع جهت گیری در ایران بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه امام خمینی، شهید بهشتی و شهید مطهری بوده است که سیاست اجرایی آن با ارائه زمین رایگان و تولید گسترده مسکن همراه است.

جهت گیری دوم که بسر حضور حداقلی دولت در بخش مسکن تاکید دارد، بیشتر در برگرنده منافع بخش خصوصی، بساز، بفروشا و دلال ها است و به همین جهت، سیاست های اجرایی در این نوع نگاه بیشتر به دنبال افزایش قدرت خرید مردم برای خرید مساکن بساز و بفروش ها و داغ کردن بازار خرید مسکن است و افزایش وام خرید مسکن، حمایت از سازندگان در اولویت این نوع جهت گیری قرار می گیرند. این نوع جهت گیری در ایران رژیم طاغوت و در بعد از انقلاب مورد توجه برخی مسئولین از جمله بنی صدر بوده است. جهت گیری و نگاه بنیان گذار انقلاب، حضرت امام خمینی و نگاه بسیاری از بزرگان و متفکرین انقلاب از جمله شهید مطهری و شهید بهشتی با مخالفت های جدی برخی از مسئولین وقت از جمله بنی صدر روبرو بود، ولی به هر حال این نوع نگاه به بخش زمین و مسکن، توجه به مسکن محرومان، مسکن روستایی و تصویب قانون زمین شهری را موجب شد که در آن پولی بابت زمین از مردم گرفته نمی شد و فقط هزینه آماده سازی زمین اخذ می شد.

این قانون تا سال ۱۳۷۱ ادامه پیدا کرد و بسیاری از مردم و مستضعفین، صاحب خانه شدند، تا اینکه سال ۱۳۷۲ با تغییر رویکرد دولت وقت در حوزه های اقتصادی و به تبع آن، برخی تغییرات مدیریتی در وزارت مسکن، سبب شد تا بیشتر جهت گیری دوم مورد توجه قرار گیرد و منافع به ساز بفروش ها بیشتر تأمین شود و مردم از نعمت اجتماعی و اقتصادی زمین و مسکن، تا حد زیادی محروم شوند. متأسفانه سیاست ها تغییر مسیر داده شدند و از حمایت از

طرحی که امید خانه دار شدن مردم کم بضاعت و متوسط را زنده کرد؛

مسکن مهر



در بخش هایی از پیام امام خمینی برای حل معضل مسکن، آورده شده است که: «در این طرح، به هیچ عنوان پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود... و نیروی کار و کارگری به طور وسیع به کارافتد و دولت نیز تصمیمات لازم را در تأمین آب و برق و آسفالت و وسایل ایاب و ذهاب و مدرسه و درمانگاه و دیگر نیازمندیهای عمومی فراهم سازد و دیگر نیازمندیهای عمومی فراهم سازد

مصرف کننده به حمایت از بساز بفروش ها و ... تغییر کرد. این تغییر مسیر و قرار گرفتن مسئولین راه و شهرسازی در شرکت های انبوه سازی، بالاخص انبوه سازی و بنگاه داری بانک ها در حوزه زمین و مسکن، سبب شد تا سیاست های کشور در بخش مسکن بیش از پیش از مستضعفین و متقاضیان واقعی مسکن فاصله بگیرد و در راستای تأمین منافع دلالان و بانک ها و بساز بفروشان قرار گیرد. فرآیند این رویکرد باعث رشد لجام گسیخته قیمت مسکن در ۳ دهه گذشته بوده است.

مسکن مهر و بازگشت به نگاه بزرگان انقلاب در تأمین مسکن محرومان

این تغییر جهت گیری تا سال ۱۳۸۴ مشهود بود تا اینکه در دولت نهم که به فرموده مقام معظم رهبری بسیاری از شعارهای انقلاب و امام خمینی دوباره زنده شد و در همین راستا در حوزه زمین و مسکن، توجه به نگاه و جهت گیری اول یعنی تأمین منافع عموم مردم و بالاخص مستضعفین که مورد توجه جدی امام خمینی، شهید مطهری و شهید بهشتی و به طور خاص پیام تاریخی حضرت امام خمینی(ره) بر تأمین زمین به صورت رایگان، دوباره مد نظر مسئولین وقت قرار گرفت. فرآیند عملی که

.....

شعار مردم هنگام تجمع مقابل مجلس در اعتراض به بی تفاوتی مسئولین در تکمیل مسکن مهر:

دعوی دو دولت، چه ربطی به ملت!

ابوالفضل نوروزی ● کارشناس حوزه زمین و مسکن

آیت اله خامنه‌ای در این دیدار فرمودند: «اگر احتمالاً با اصل طرح مسکن مهر و با نحوه توزیع اعتبارهای بانکی به آن مخالفتی وجود دارد، اما این راهم بدانیم که اکنون چند میلیون نفر چشم انتظار تکمیل مسکن مهر هستند و باید این کار به طور جدی پیگیری شود و این اتمام برسد.»

میلیون ها نفر از متقاضیان مسکن مهر، سرمایه های اندک خود را که با مشقت و زحمت فراوان به دست آورده اند به امید خانه دار شدن، با اعتماد به نظام جمهوری اسلامی، نزد دولت سپرده اند و در شرایط کنونی با هزاران امید، چشم به دستان مسئولین دولت یازدهم دوخته اند تا کلید خانه هایشان را از آنها تحویل بگیرند.

عدم تکمیل پروژه های مسکن مهر، باعث شده است که یک میلیون و دویست هزار خانوار از مردم کشورمان، خواب و خوراک نداشته باشند و در نظام اسلامی مسئولین آن باید تمام هم وغم خود را برای افزایش آسایش و رفاه مردم بگذارند و آنها هم باید برای تکمیل این پروژه ها خواب و خوراک نداشته باشند، ولی زمانی که عزمی راسخ از مسئولین برای تکمیل پروژه ها دیده نمی شود و بسیاری از پروژه ها رها شده است و وزیر راه و شهرسازی مملکت به عنوان مسئول اصلی عدم تکمیل پروژه های مسکن مهر در طی یکسال گذشته تنها به بازدید از چند پروژه در حومه تهران و چند پروژه مسکن مهر در سفر استانی بسنده نموده است(کلاً ۴ مورد بیشتر بازدید نداشته اند که دو مورد از آن بازدید از واحدهای شهر جدید پردیس بوده است) مردم حق دارند که به عملکرد مسئولین نظام اسلامی بدبین شوند و متأسفانه امکان دارد، عملکرد نامناسب این مسئولین، به بدبینی مردم به کل نظام اسلامی که با اعتماد به این نظام، سرمایه های خود را به آنها سپرده اند، نیز بیانجامد. سهل انگاری در تکمیل پروژه های مسکن مهر سبب افزایش مدت زمان تکمیل پروژه، افزایش قیمت تمام شده و کاهش کیفیت مسکن، افزایش هزینه های اجتماعی و نارضایتی مردمی شده است. این نارضایتی های مردمی به جایی رسیده است که متقاضیان مسکن مهر دست به تجمعاتی در اقصی نقاط کشور زده اند. عدم تکمیل پروژه های مسکن مهر در شرایطی است که ۸۰ درصد این پروژه ها در دولت قبلی تکمیل نشده اند و دولت یازدهم تنها باید ۲۰ درصد از آن را تکمیل کند.

از دل این نوع جهت گیری و توجه جدی به پیام امام خمینی (ره) با رویکرد تأمین منافع مستضعفین، در دولت نهم بیرون آمد، طرحی شد با عنوان «مسکن مهر»، طرحی که امید خانه دار شدن مردم کم بضاعت و متوسط را زنده کرد.

مبانی و اصول مسکن مهر

در بخش هایی از پیام امام خمینی برای حل معضل مسکن، آورده شده است که: «در این طرح، به هیچ عنوان پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود... و نیروی کار و کارگری به طور وسیع به کارافتد و دولت نیز تصمیمات لازم را در تأمین آب و برق و آسفالت و وسایل ایاب و ذهاب و مدرسه و درمانگاه و دیگر نیازمندیهای عمومی فراهم سازد... با صرفه جویی و دقت کامل خانه های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار دهند.»

مبانی مسکن مهر نیز بر این اصول استوار است که زمین رایگان در اختیار متقاضیان قرار می گیرد، وام ارزان قیمت برای ساخت واحدهای مسکونی در اختیار پیمانکاران است و اشتغالزایی فراوانی نیز در این امر صورت پذیرفته است.

در طرح مسکن مهر، ارزش زمین، که بخش قابل توجهی از هزینه تمام شده مسکن را به خود اختصاص می دهد، از دوش متقاضیان واقعی مسکن بر داشته شد. زیرا این سهم در کل کشور در دوره ۳۶ ساله بیش از ۵۰ درصد بوده است که همچنین در شهرهای بزرگ این سهم به بیش از ۶۰ درصد از قیمت مسکن، می رسد. بنابراین با حذف یا کاهش ارزش زمین از هزینه تمام شده مسکن، تا حدود زیادی هزینه مسکن کاهش می یافت. بنابراین طرح مسکن مهر بر اجاره بلند مدت زمین جهت احداث مسکن مبتنی است.

برخلاف سیاست های ناکارآمد و آزمایش شده



عدم تکمیل پروژه های مسکن مهر، باعث شده است که یک میلیون و دویست هزار خانوار از مردم کشورمان، خواب و خوراک نداشته باشند.

میلیون ها نفر از متقاضیان مسکن مهر، سرمایه های اندک خود را که با مشقت و زحمت فراوان به دست آورده اند به امید خانه دار شدن، با اعتماد به نظام جمهوری اسلامی، نزد دولت سپرده اند.

وزیر راه و شهرسازی در آذر ۹۲، قول اتمام بیش از ۸۰ درصد از مسکن مهر را در سال ۹۳ و اتمام کل پروژه را تا پایان سال ۹۴ داد.

اخیراً نیز مسئولین وزارت راه و شهرسازی از احتمال تکمیل نشدن طرح های مسکن مهر تا پایان سال ۹۵ سخن گفته اند. روند فعلی تحویل طرح های مسکن مهر، از فروش اقساطی حداکثر ۲۰ هزار واحد در ماه حکایت دارد که در واقع این میزان در سه سال به ۲۴۰ هزار واحد می رسد. این بدین معنی است که با این روند و با توجه به ۹۱۰ هزار واحد تکمیل نشده، حدود ۶ سال و نیم طول می کشد که کل واحدهای مسکن مهر تحویل داده شود!پیشرفت بسیار کند پروژه های مسکن مهر، به قدری مسأله ساز شده است که رهبر انقلاب در دیداری که به مناسبت هفته دولت با رئیس جمهور و اعضای هیات دولت داشتند بر توجه جدی دولت یازدهم جهت تکمیل پروژه های ناتمام مسکن مهر، هشدار دادند.

یکی از ضعفهایمان این بود که بعد از انقلاب بنامدیم این اقتصاد را عوض کنیم و بنامدیم با آن در بیفتیم. دقیقاً از سال شصت و هشت به بعد و با کارهایی که کارگزاران شروع به انجام آن کردند دقیقاً در مسیر این اقتصاد حرکت کردیم. منشأ بسیاری از مشکلات انقلاب اسلامی حضور افرادی با تفکر غرب‌گرایی و غرب‌پرستی(روشنفکری) در رده مسئولان کشوری است. در متن ذیل استاد شهریار زرشناس به بررسی تاریخچه و تاثیر این طرز تفکر از دوره قاجار تا به امروز، در مدیریت کشور می پردازد.

ما اگر به تاریخ ایران برگردیم، مشاهده می کنیم در این صدوپنجاه سالال اخیر با حضور استعمار غرب مدرن در سرزمین ما و در پی آن متأسفانه استیلایی که تدریجاً پیدا کرد، هسته‌های فرهنگی غرب زدگی در سرزمین ما شکل گرفت. شما نگاه کنید در سالهای هزار و دویست و پانزده هجری قمری تا هزار و دویست و بیست هجری قمری به تدریج مجموعه هایی از نیروهای غرب زده که می خواستند الگوهای مدرنیستی را در تراز شبه مدرنش و در یک صورت تقلیدی در ایران اجرایی کنند، تدریجاً ظهور و سازماندهی پیدا می کنند که در دو قلمروی فرهنگ و سیاست حیات دارند.

در قلمروی فرهنگی از طریق نوشتن رساله و کتاب و حتی داستان ظهور پیدا می کنند؛ چهره های معروف روشن فکری که اغلب اسامی شان را شنیده اید؛ مثل طالبف، ملکم خان، آخوندزاده و حتی نسل قبل ترشان مثل میرزا صالح شیرازی و امثالهم؛ در عرصه سیاسی هم دقیقاً به موازات این حرکت می بینیم عده زیادی هستند که در دولت قاجار حضور دارند و نقش آفرینی می کنند؛ مثلاً فرخ خان امین الدوله غفاری در جدا کردن هرات از ایران در سال هزار و دویست و هفتاد و سه هجری قمری دقیقاً حضور دارد یا میرزا ابوالحسن خان ایلچی در امضا و تحمیل توافقنامه ترکمن چای دقیقاً حضور دارد یعنی می بینید روشن فکران در دو نقش: یکی نقش فرهنگی و یکی هم نقش سیاسی حضور پررنگی دارند. یعنی در واقع پشت صحنه توافقنامه های ذلت بار هم غرب زده هاهستند.

شما در تاریخ کشور پیدا نمی کنید هیچ جا و هیچ موردی که این قرار دادهای استعماری امضا شده

سلام **م:** با سلام. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی طرح نویی بود و از مقتضیات آن، بوجود آمدن ادبیات جدیدی متناسب با آن است، ادبیات ما بعد از انقلاب در فرهنگ سازی و انتقال ارزش ها به نسل های بعد چقدر موفق و تاثیر گذار بوده؟

مسلماً تاثیرگذار بوده و بخشی از این تاثیرگذاری به دلیل گفتنمان جدیدی است که انقلاب اسلامی ایجاد کرد. از سال ۱۹۴۵ که جنگ جهانی دوم تمام شد تا ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید در این بازه زمانی دو بلوک شرق و غرب وجود داشت. خیزش ایرانیان که ریشه اش دینی بود، یک انقلاب صرفاً اجتماعی -سیاسی نبود. که اگر این چنین بود ما هم به سرنوشت دیگر انقلاب ها دچار می شدیم و بعد از مدتی شاهد استحاله و سپس فروکش موج ایجاد شده می بودیم. پس یک اندیشه و گفتنمان تازه ای برای جهان تعریف شده که همچنان هم ادامه دارد. اما بحث دیگر، هنر و ادبیات انقلاب است. مشکلی که برای جامعه هنری و ادبی ایجاد شد این بود که با فاصله کمی از انقلاب، جنگ را به ما تحمیل کردند. هنوز هنر و ادبیات انقلاب قوام نیافته و آثار درجه یک با قابلیت های جهانی کار نشده بود که فضای دیگری را برای ما رقم زدند و ما را وارد عرصه جنگ ۸ ساله کردند و همین باعث شد هنر انقلاب اسلامی استحکام لازم را پیدا نکند.

سلام **م:** اتفاقاً به نظر می رسد با توجه به اینکه امام (ره) فرمودند : «**جبهه عرصه خودسازی و انسان سازی است**» دفاع مقدس فرصت مناسبی برای تثبیت ارزش ها بود. آنچه که در خود انقلاب عرصه ظهور پیدا نکرده بود، دفاع مقدس زمینه ای را بوجود آورد که ارزش های انقلاب در وجود یک عده ای تجلی پیدا کند و بسیاری از مفاهیم را از آن حالت انتزاعی خارج کرده و همچنین به نسل های بعد الگو معرفی کند.

بله دفاع مقدس فرصت مناسبی بود. بخشی از انقلاب اسلامی فرهنگ ایثار و شهادت بود که در جنگ هم بیشتر فضای ایثار و دفاع از کبان و مفاهیم دینی مان را داشتیم ولی همه فرهنگ این نیست. این یک جاهایی هم پوشانی دارد و در مواردی هم قدری افتراق. در فرهنگ انقلاب یک نگاه جهانی وجود دارد. بحث جهانی انقلاب که در ابتدای پیروزی، یک اصطلاحی برای آن ایجاد شده بود به عنوان دستور انقلاب مظلوم ماند و دفاع مقدس، دفاع بود که فضایی نبود که بتوانیم حرکت برون مرزی فرهنگی داشته باشیم؛ مثلاً اندیشه های امام و شهید مطهری و آنچه که بن مایه انقلاب بود فضای جهانی شدن پیدا نکرد. جنگ باعث شد ما نتوانیم تئوری های انقلاب را به هنر تبدیل کنیم و در قالب آثار هنری به افراد عادی انتقال بدهیم و همین موجب شد بسیاری از افراد در داخل و خارج کشور نسبت به ما دچار سوء تفاهم بشوند که این سوء تفاهم همچنان هم وجود دارد. چون تئوری ها در ارتباط با افراد خاص جامعه است ولی اگر شما بخواهید این را به سطح جامعه گسترش بدهید باید

نگاهی به غرب زدگی مسئولان، قبل و بعد از انقلاب اسلامی؛

نفوذ در گذرگاه تاریخ



باشد و پشت قضیه، روشنفکران نقشی نداشته باشند. پس جریان روشنفکری ای که استعمار غرب مدرن در ایران درست می کند دو وجه دارد یک وجه فرهنگی یک وجه سیاسی.

از دوره ناصری یعنی حدود سال هزار و دویست و هفتاد هجری قمری یک نکته دیگر هم به این دو بال اضافه می شود. مکملی به نام مکمل اقتصادی. اولین نطفه ی اقتصاد شبه مدرن ایران را که بعداً بلای جان این سرزمین می شود در دوره ناصری می توان مشاهده کرد. اولین سردمدارانش هم ماسونهایی مثل حاج امین الضرب هستند؛ چهره هایی که دقیقاً آرای روشنفکرانه دارند و دلبستگی هایی از جنس غرب زدگی هم در آنها وجود دارد. ایران ماقبل غرب زدگی و شبهه مدرن، هرچقدر هم که بد باشد و ایراد داشته باشد، ایرانی است با یک اقتصاد خودکفا. حتی در دوره ناصری هم این خودکفایی وجود دارد. ایران تا آن دوره، بازار مصرف برای خارجی ها نیست و برای نیازهای اقتصادی دست گدایی به سمت خارج بلند نکرده است.

به این ترتیب با سرکار آمدن رژیم پهلوی نوعی غرب زدگی و نوعی فراماسیون غرب زده شبه مدرن در کشور ما حاکم می شود. این فرماسیون سه

بیژن کیا هنرمند و نویسنده:

خیلی از مسئولین را امانت دار نمی بینم

..... مینا کمالی «فعال فرهنگی

در هیاهوی رسانه هایی که هنر را برای هنر جلوه می دهند هنوز هم هستند کسانی که ، با تمام سختی های راه کوله بار مسؤلیت را بر زمین نگذاشته و با جهان بینی توحیدی هنر را برای تعالی انسان ها و در خدمت ارزش های انسانی به کار گرفته و در حوزه های مختلفی چون نویسندگی هنر آفرینی ها دارند . بیژن کیا از جمله هنرمندانی است که با قلم متعهد خود و با آثاری چون «پرواز ناتمام» ، «هفت و سیزده دقیقه» ، «مرد خاکستری» ، «مارش نظامی در بیمارستان» و... از حادثه عظیم انقلاب اسلامی و وقایع ملی و بین المللی در تاریخ معاصر مان روایت می کند . با این نویسنده شیرازی در یک گفتگوی صمیمی و گفتگمانی همراه می شویم.



از هنر استفاده کنید. هنرمند متعهد باید محتواهای تولید شده را به اثر هنری تبدیل کند که متأسفانه این اتفاق برای انقلاب اسلامی نیفتاده و به همین دلیل انقلاب و چرایی آن برای نسل امروز بسیار مبهم است.

سلام **م:** هنر و ادبیات انقلابی در سطح منطقه و بین الملل چه جایگاهی دارد و می تواند داشته باشد؟

بحث هنر و ادبیات انقلاب، به نظر من آن طور که باید حقش ادا نشده، که بخشی از این به هنرمندان متعهد برمی گردد که ذهنشان بیشتر درگیر دفاع مقدس و بیداری اسلامی است که البته این هم لازم است اما حق اصلی که حق ریشه ای تری دارد به اسم انقلاب اسلامی است که اینجا نادیده گرفته شده است. دیگر اینکه نهادهای دولتی مرتبط با انقلاب نداریم، مثلاً ما بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، کنگره سرداران شهید ، بسیج هنرمندان و . . داریم اما برای هنر و ادبیات انقلاب کدام نهاد دولتی را داریم؟ مثلاً بنیاد ادبیات داستانی انقلاب اسلامی نداریم ضمن اینکه با چرخه معیوبی روبرو هستیم و ادبیات انقلاب از سه جبهه لطمه می خورد؛ ۱) تولید ؛ که هنرمند و نویسنده وارد نمی شود و البته خوب هم حمایت نمی شود ۲) عرضه و نشر؛ که آثار تولید شده به خوبی انتشار پیدا نمی کند ۳) عرصه تئوری پردازی و نظریه پردازی؛ ما نظریه

شصت و هشت که موسوی روی کار است، هیچگاه یک برنامه استراتژیک برای عبور از این ساخت اقتصادی نداشتیم. اقتصاد شبه مدرن ضربه خورده است اما حضور دارد و هنوز حاکم است و در، همچنان بر آن پاشنه قبلی خود می چرخد.

پس ساخت سیاسی ویران شد اما اقتصاد شبه مدرن ماند، فرهنگ شبه مدرن هم متأسفانه ماند. حرکتی که خاتمی در آن زمان در وزارت ارشاد کرد و سال شصت به بعد، بازار ترجمه کشور به شکل عجیبی در مسیر ترویج یک نوع اندیشه خاص فعال می شود؛ اندیشه پشیمانی از انقلاب؛ اندیشه این که هر انقلابی به ضد خود تبدیل می شود.

خاتمی ازسال شصت و سه به وزارت ارشاد آمده است. ارشاد در آن زمان کاملاً برای روشنفکر ها در سینما، ادبیات و تا حدی هم هنرهای تجسمی فضا سازی می کند. از طریق دولتمردانی مثل معین، کاملاً وزارت علوم در اختیار اینهاست، وزارت ارشاد هم در اختیار اینهاست، مطبوعات اصلی آنروز در اختیار اینهاست.

شما توجه کنید وقتی قوه مجریه در دستشان است از طریق قوه مجریه دو محور اقتصادی – فرهنگی را کاملاً بازسازی می کنند. اقتصاد ما را می برند به سمت یک نوع اقتصاد سرمایه داری شبه مدرن نتولیرال، و بعد خودشان می شوند حلقه اصلی آن سرمایه داری نو ظهور بعداز انقلاب.

شما تذکرات رهبری را ببینید؛ ایشان از مرداد هفتاد به بعد شروع میکنند به حرف زدن مکرر راجع به تهاجم فرهنگی، تجمل گرایی و ثروت های بادآورده.

این خیلی مهم است که ما بدانیم در واقع چرا اصلی ترین کارگزاران دولت هاشمی، خاتمی و دولت امروز (دوره احمدی نژاد یک استثناست؛ اساساً چرا دولت نهم و دهم، اینقدر مورد هجمه هاشمی، خاتمی و روحانی است و چرا اینقدر از آن نفرت دارند؟ به نظر می رسد دلایلش این است که احمدی نژاد همزون اینها را در مدیریت کشور بهم زد. وقتی آقا بعد از سال ۸۴ فرمودند شعار های انقلاب زنده شد، یعنی در مدیریت اجرایی کشور تا آن موقع این شعارها نبود) که همه کاره کشورند همین غرب زده هاهستند.

بخشی از مصاحبه نشریه ۹ دی با دکتر شهریار زرشناس، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دیپلماسی فرهنگی نداریم. چرا به هنرمندان متعهد کرسی نمی دهند؟! دانشگاه راه خودش را می رود و هنرمندان هم راه خودشان را! فضای آکادمیک ما از فضای تجربی و تولید جداست به همین دلیل نه هنر و ادبیات مان رشد می کند و نه دانشگاه . *سلام* **م:** حلقه گم شده ایجاد کننده پیوند میان محیط دانشگاهی و هنرمندان چیست ؟

ما باید یک عقلانیت فرهنگی داشته باشیم. اگر زیر ساخت جامعه و انقلاب ما فرهنگی است ارتباط هنرمند و دانشگاه می تواند مبتنی بر فرهنگ باشد و فرهنگ انقلاب اسلامی در همه ابعادش مورد توجه قرار گیرد. در حالیکه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپایی نامه می نویسد بنیاد حفظ آثار و جشنواره پایداری داستان بنده را به دلیل اینکه در مورد سورهی است و ارتباطی به دفاع مقدس ندارد رد می کند! مدیران ما استراژی فرهنگی ندارند.

سلام **م:** شما وضعیت حمایت از هنرمندان انقلابی توسط نهادهای متولی را امروز چگونه ارزیابی می کنید؟

الان سه جریان وجود دارد: ۱) جریان هنرمندان ۲) جریان دولت ۳) جریان های خود جوشی که ایجاد شده مثل حسینیه انقلاب یا پایگاه هنر. اما این جریان سوم ضعیف است که باید مورد حمایت قرار بگیرد. حرف بنده این است که دولت اگر از هنرمندان متعهد حمایتی ندارد حداقل راه را سد نکند! هنرمند هم انسان است خسته و دل زده می شود و ممکن است در اثر گونه ای از برخورد ها دلزده شده، علاقه ای به انقلاب نشان ندهد و به موضوعات دیگری روی بیاورد.

!رمان بنده ۴ سال در حوزه هنری شیراز ماند و کار نشد. کار هنری یک کار تیمی است، کار فردی نیست. من هنرمند وظیفه ام را انجام دادم اما آیا بقیه هم وظیفه ما در عرصه فرهنگ انقلاب اسلامی انجام داده اند؟! متأسفانه فضای فرهنگی انقلاب به دست عده ای افتاده که فرهنگ انقلاب اسلامی را بخش نامه ای کردند. هر کشور ایدئولوگ اگر ایدئولوژی اش را بخش نامه ای کند آن ایدئولوژی آرام آرام از درون ضعیف می شود چون افراد یاد می گیرند تظاهر کنند نه اینکه واقعاً یک شخصیت اعتقادی باشند که متأسفانه می بینیم الان ارزش ها در سطح کلان جامعه هم تغییر کرده است. هنرمند همیشه در فضایی بوده می توانسته صدمه ببیند و میزان آسیب دیدگی اش زیاد است چون اولاً آرمان گراست و دوم اینکه خودش را نمی خواهد بفروشد. یک بخش اکثریتی از هنرمندان که از ابتدا همراه انقلاب نبودند اما همان اقلیت چقدر مورد حمایت و توجه مسئولین قرار گرفته اند؟ به سربازان فرهنگی چقدر امکانات داده شده؟ انقلاب اسلامی فقط برای ایران نبود بلکه برای کل جهان بود و امانتی است دست ما که باید پاسخگو باشیم که بنده خیلی از مسئولین و مدیران را امانت دار خوبی نمی بینم .

سلام **م:** ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

✚ ایستادگان تاریخ

سید حامد ترابی «گارشناس علوم سیاسی

سلام بر آن پیشاهنگ جهاد و شهادت در زمان ما

شاید آن روزی که یک طلبه وسط بازار با حیاط حوزه علمیه چهارپایه زیر پایش می گذاشت و از حکومت اسلامی دم می زد و به طاغوت اعتراض می کرد همه طلایی که او را می دیدند به دید حقارت نگاهش می کردند! در حوزه هایی که احکام طهارت و نجاست حرف اول را می زند و تقیه همه دین شده است، چه معنی دارد که یک طلبه اینچنین رفتار کند؟ پس کی به تهنذیب اخلاق اش می رسد؟! اصلاً چه معنی دارد که یک طلبه به جای بیان دامنیه احکام وضو از ایران به مصر برود ، با سنی ها وحدت کند؟ باللعجب! اگر همین الان هم یک آخوند و ملا دم از وحدت شیعه و سنی بزند خیلی از هیئتی هاتکفیرش می کنند!

آقا به درست برس، به بحث برس، اصلا به روحانی و طلبه چه ربطی دارد که اسرائیل ارض و قبله مسلمین در فلسطین را به تاراج برده است! نمی دانم، ولی احتمالاً این حرف ها و هزاران حرف های بدتر از این را حوزویان مطرح در آن زمان به او زده اند اما مسید مجتبی خیلی گوشش به این حرف های پوچ و تسبیح شماری های بیخود علمای اهل تقیه بدهکار نبود و اتفاقاً همین هم ماندگار، مبارز و شهیدش کرد!

قبلاً هم از قول سیدشهیدمان اهل قلم در همین بخش نقل کرده بودیم که شهادت را در مبارزه می دهند نه در جنگ، مجتبی اهل درد و دغدغه و مبارزه بود، این دغدغه گاهی خودش را در در تلاش برای ملی شدن صنعت نفت و ترور حسین علا و احمد کسروی در ایران نشان می داد و گاهی در عبور از سیم خاردارهای کشیده شده توسط رژیم صهیونیستی در فلسطین و گاهی در حوزه علمیه و بین عابدان و زاهدان قم و گاهی هم در انداختن اولین جوانه های انقلابی گری در دل رهبر بزرگی همچون سیدعلی خامنه ای (حفظه ا..). نمایان می شد.

سید مجتبی نواب صفوی در سال ۱۳۰۳ در خانی آباد تهران به دنیا آمد، هیچگاه بدون مبارزه نماند در دوره ای که در دبیرستان آلمانی ها مکانیک می خواند تظاهراتی علیه کشف حجاب به راه انداخت، در سال ۱۳۲۲ به استخدام شرکت نفت درآمد اما آنجا هم برای کارگران و علیه انگلیسی ها که حاکم آن روز ایران بودند سخنرانی کرد و تحت تعقیب قرار گرفت و مجبور شد به نجف فرار کند. آنجا شروع به خواندن تحصیلات دینی کرد . اما

این همه فعالیت هایش نبود؛ او برای مبارزه با استعمار و استکبار می جنگید، تمام دغدغه اش حکومت اسلامی بود، به مصر می رفت با مسلمین برای مبارزه با صهیونیست ها متحد می شد و خلاصه آرام نشد.

با کمک دوستان اش فدائیان اسلام را به راه انداخت و علیه رژیم پهلوی مبارزه کرد و بالاخره به عنوان یکی از پیشگامان جهاد و شهادت در سال ۱۳۳۴ اعدام شد و به شهادت رسید. آیت اله خامنه ای در بیان خاطره ای از نواب صفوی فرموده اند: «من شاید پانزده یا شانزده سالم بود که شهید «نواب صفوی» به مشهد آمد. ایشان برای من، خیلی جاذبه داشت و به کلی مرا مجذوب خودش کرد. هر کسی هم که آن وقت در حدود سنین ما بود، مجذوب نواب صفوی می شد؛ از بس این آدم، پرشور و باخلاص، پر از صدق و صفا و ضمناً شجاع و صریح و گویا بود. من می توانم بگویم که آن جا به طور جدّی به مسائل مبارزاتی و به آنچه که به آن مبارزه سیاسی می گوئیم، علاقه مند شدم. و همین روحیات بود که او را به شهادت رساند.» چنانکه رهبر معظم انقلاب این چنین بر او سلام داد و فرمود: سلام بر آن پیشاهنگ جهاد و شهادت در زمان ما.

ملاقات با شاه

روز ملاقات نواب با شاه فرا رسید. محمود جم به نواب گفت: «ملاقات اعلیحضرت تشریفاتی دارد، زمانیکه به نزد ایشان رفتید، تعظیم کنید، با سربازهایی که به شما سلام نظامی می دهند، به گونه ای برخورد کنید که افسرهای ما دلسرد نشوند؛ ساعت ملاقات شما يك ربع است.» نواب به او پاسخ داد: «لازم نیست شما بگوئید خودم می دانم.» رهبر فداییان بی توجه به سخنان وزیر دربار در پاسخ سلام افسران در حالیکه دستش را بالا گرفته بود گفت: «سرباز اسلام باشید، در راه اسلام حرکت کنید.»

شاه در کنار درخت ایستاده بود نواب جلو رفت. محمد جم گفت: «تعظیم کن.» نواب خیلی آرام گفت: «خفه شو.» پس از سلام نواب، شاه به او دست داد و گفت: آقای نواب صفوی! ما از فعالیت های شما در عراق باخبر هستیم. نواب فوراً پاسخ داد: «برای مسلمان، همه کشورهای اسلامی یکی است؛» نجف، ایران، مصر و مراکش» همه جای دنیای اسلام خاک مسلمانان است. وظیفه مسلمان این است که کارش را انجام دهد.» دوباره شاه پرسید: «آقای نواب صفوی چه می خوانید؟ من شنیده ام شما طلبه هستید و درس می خوانید. ما اماذگی داریم که هزینه تحصیل شما را تأمین کنیم.» نواب دستش را محکم بر روی میز کوبید و گفت: «من درس هستی و سیاه مشق زندگی می خوانم و مردم مسلمان ایران این قدر غیرت دارند که این سرباز کوچک امام زمان عجل الله فرجه را خودشان اداره کنند. اما من به شما نصیحت می کنم:

این دغل دوستان که می بینی

مگسانند گردشیرینی

شما باید از فلسطین حمایت کنید. شما با مردم مظلوم و فقیر باشید.» در همان دیدار با تقاضای نواب، شاه با يك درجه تخفیف حکم حبس «سید مهدی» را صادر نمود. پس از پایان وقت ملاقات نواب، شاه به وزیر دربار گفت: «این سید مثل يك افسر که با سرباز صحبت می کند با من صحبت کرد و اصلاً انگار نه انگار شاهی وجود دارد. این چه کسی بود که رستاده بودی اینجا؟»